# روزنامه صبح کابل

• سال دوم • شماره ۳۵۰ • سه‌شنبه • ۱۷ حمل ۱۴۰۰ • ۶ اپریل ۲۰۲۱

www.subhekabul.com


۳

## زمانه‌ی ما و نیاز به صلح

یونسکو معتقد است: «از آن‌جا که جنگ‌ها در ضمیر انسان‌ها به وجود می‌آید، دفاع از صلح نیز می‌باید در...

۶

## رابطه‌ی کشورهای خلیج فارس با صلح افغانستان

کشورهای خلیج فارس، در ایجاد تنش‌های افغانستان نقش برجسته‌ای بازی کرده‌اند. این کشورها تلاش می‌کنند تا پس از خروج نیروهای امریکایی...

۲

### ده روز تا نشست استانبول؛

# طرح ارگ با شورای مصالحه و کشورهای خارجی شریک شد

تحلیل

## رسمیت‌دادن به جرگه‌های محلی یا قربانی‌کردن عدالت؟

از آن‌جایی که میزان تحقق عدالت، بیشتر از هر چیزی معرف ساختار اجتماعی-سیاسی جامعه است، چگونگی دست‌یابی به آن، در حقوق و سیاست اهمیت زیادی دارد و روی آن بحث‌های گسترده‌ای نیز شده است. از سوی دیگر، اهمیت برقراری عدالت در جامعه، باعث شده است که نهادها و ساختارهای مشخصی برای تطبیق و پشتیبانی از آن شکل بگیرد. اداره‌ی حقوق، دادستانی کل و دادگاه‌ها در افغانستان، نهادهایی است که برای تطبیق عدالت در جامعه شکل گرفته است. تحقق عدالت برای ایجاد جامعه‌ی باثبات و حرکت به سوی برابری و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، نیاز گریزناپذیر انسان‌ها است.

با توجه به میزان رشد اجتماعی و فرهنگی‌ای که در جوامع اتفاق افتاده، میزان تطبیق عدالت در آن جامعه‌ها نیز از هم تفاوت می‌کند؛ اما به هر حال، برای سامان‌دادن به جوامع انسانی و قرار دادن آن در مسیر توسعه، بیشتر از هر چیزی به تامین نظم و برقراری عدالت نیاز است. در سوی دیگر ماجرا، تطبیق عدالت است که از دوام نظم در جامعه پشتیبانی می‌کند. به هر اندازه‌ای که در جامعه‌ای عدالت جنبه‌ی تطبیقی...

۶

## یک سال کرونا در افغانستان چگونه گذشت؟

به تازگی روزنامه‌ی صبح کابل، میز گردی را به گونه‌ی آنلاین از طریق «زوم» برگزار کرده که در آن، به یک‌سالگی همه‌گیری ویروس کرونا در افغانستان، چگونگی مدیریت این پاندمی و موثریت واکسین‌هایی که برای مبارزه با آن ساخته شده را، به بررسی گرفته است.

این برنامه، چهارشنبه‌شب (۱۱ حمل)، با گردانندگی نصیر ندیم ،سردبیر روزنامه‌ی صبح کابل و حضور داکتر نصرت انصاری، استاد در دانشگاه آمستردام و عضو کمیته‌ی ساینس وزارت صحت عامه، عبدالله احمدی، عضو کمیته‌ی رهبری گروه مشترک کاری نهادهای جامعه‌ی مدنی، داکتر سیداحمد گوهری،...

۴

۷

## عبدالله عبدالله: حرف زدن درباره‌ی جزییات حکومت پساصلح پیش از وقت است

۷

بانک جهانی:

## وضعیت مبهم سیاسی و امنیتی، روند بهبود اقتصاد افغانستان را با کندی روبه‌رو کرده است

۷

## نگرانی نمایندگان مجلس از وجود فساد در مصرف بودجه انکشافی

شماری از اعضای مجلس نمایندگان، نسبت به وجود فساد در مصرف بودجه‌ی...

خبر

## «نی»: طالبان دې د خبریالانو د ژوند خوندیتوب ته پاملرنه وکړي

د آزادو رسنیو د ملاتړ اداري یوځل بیا له وسله والو طالبانو غوښتي چې د ملکي خلکو او په تېره بیا د خبریالانو او رسنیو د فعالانو له وژلو لاس واخلي.

د آزادو رسنیو د ملاتړ اداري«نی» د یوې اعلامیې په خپرولو سره ویلي چې د بشري حقونو د څارنړیوال سازمان د دوی دا اندیښني تایید کړي چې طالبان په افغانستان کې خبریالان، د رسنیو فعالان او د رسنیو د کورنۍ غړي په نښه کوي.

د آزادو رسنیو د ملاتړ اداره وایي د بشري حقونو د څارنړیوال سازمان د طالبانو دا کار غندلی دی.

د دغې اعلامیې له مخې د بشري حقونو د څارسازمان ادعا کوي چې طالبان د وېرې او وحشت رامنځ ته کولو په موخه غواړي په قصدي ډول خبریالان او مدني فعالان ووژني.

د آزادو رسنیو د ملاتړ اداره وایي تردې مخکې څو ځلې دوی د طالبانو له خوا د خبریالانو او رسنیو د فعالانو په وژنه او په نښه کولو اندېښنه ښودلې وه، چې د بشري حقونو د څار د نړیوال سازمان وروستۍ اعلامیه د دوی د اندېښنو پخلی کوي.

د آزادو رسنیو د ملاتړ اداري «نی» یوځل بیا په جګړه کې له ښکیلو لورو او په تېره بیا طالبانو غواړي چې په خپلو بریدونوکې د ملکي وګړو او په تېره بیا خبریالانو ژوند ته پام وکړي او د دوی له وژلو لاس واخلي، ترڅو د خبریالانو آزاد فعالیت او د دوی ژوند او ځان خوندي پاتې شي.

جهان

## ده افسر بازنشسته‌ی نیروی دریایی ترکیه به دلیل انتقاد از دولت بازداشت شد

مقام‌های ترکیه، از بازداشت ۱۰ افسر بازنشسته‌ی نیروی دریایی این کشور به دلیل نشر یک نامه‌ی سرگشاده در انتقاد از طرح رجب طیب اردوغان مبنی بر ایجاد کانال استانبول، خبر داده‌اند.

این افراد، روز دوشنبه (۱۶حمل/۵ اپریل)، پس از آن بازداشت شدند که یک نامه‌ی انتقادی با امضای ۱۰۳ افسر بازنشته‌ی ارتش علیه دولت، امضا به و نشر رسید.

دادستان کل انقره، اعلام کرده است که قصد بازداشت چهار افسر دیگر را نیز داشته؛ اما به دلیل کهولت سن از بازداشت آن‌ها خودداری شده است.

افراد بازداشت‌شده، به توطئه علیه امنیت ملی و قانون اساسی ترکیه متهم اند. نشر این نامه از سوی آن‌ها، شبیه اقدام کودتای ارتش این کشور علیه دولت خوانده شده است.

در نامه‌ی سرگشاده‌ای که از سوی ۱۰۳ افسر بازنشسته ارتش امضا و به نشر رسیده، از ایجاد یک کانال در شمال استانبول به جای تنگه‌ی بسفر، هشدار داده شده است. این افسران بازنشسته، ایجاد کانال در شمال استانبول را خلاف پیمان مونترو دانسته‌اند.

پیمان مونترو یک پیمان بین‌المللی تجاری میان ترکیه و قدرت‌های جهانی است که در سال ۱۹۳۶ امضا رشد و هدف آن این بود که ترکیه بر حمل و نقل کالا از تنگه‌ی بسفر نظارت کند؛ اما با ایجاد کانال استانبول، این پیمان نقض خواهد شد.

در همین حال، مولود چاووش اوغلو، وزیر خارجه‌ی ترکیه، گفته است که کانال جدید استانبول با پیمان مونترو هیچ ارتباطی ندارد و فشارها علیه دولت از سوی افسران، غیرقابل قبول است.

از سویی دیگر، شماری از رهبران اتحادیه‌ی اروپا قرار است روز سه‌شنبه (۱۷ حمل)، به ترکیه سفر کنند و در مورد روابط اقتصادی و چگونگی از حمایت از پناه‌جویان، با رییس‌جمهور این کشور دیدار داشته باشند.

سفر رهبران ترکیه در حالی انجام می‌شود که روابط ترکیه با اتحادیه اروپا در یک سال گذشته به دلیل دخالت انقره در درگیری‌های سوریه، عراق، لیبا، قره‌باغ و استخراج گاز از آب‌های یونان و قبرس شرق مدیترانه و بی‌توجهی به پناه‌جویان، پر تنش بوده است.

ترکیه تلاش دارد که روابط خود را با اتحادیه‌ی اروپا بهتر بسازد و این کشور یکی از نامزدان رسمی عضویت در این اتحادیه است و پیش از این، رجب طیب اردوغان برای حل بحران مهاجرت، شرط گذاشته بود که مذاکرات برای عضویت ترکیه را آغاز کند.

سرمقاله

## نشست استانبول؛
# پایان فصل گفت‌وگوهای صلح در دوحه است

پیش از برگزاری نشست مسکو، همه مقام‌های سیاسی افغانستان، امریکا، روسیه، ترکیه و رهبری گروه طالبان به این پرداختند که نشست مسکو و استانبول در امتداد نشست دوحه و مکمل آن است؛ اما از شبنه‌ی همین هفته به این سو، خبرهای منتشرشده در رسانه‌ها، از جهتی در مخالفت با ادعاهای مقامات سیاسی کشورها و هیئت رهبری گروه طالبان است.

از سخنان چندی پیش مقامات سیاسی افغانستان طوری به نظر می‌رسید که دولت افغانستان نمی‌دانست، سطح نشست استانبول و مسکو در چه حد است و حتا نمی‌دانستند در چه سطح و چرا برگزار می‌شود؛ اما از ادبیات سیاسی سران کشور معلوم بود که اشتراک امر حتم است.

حمدالله محب -مشاور امنیت ملی- چندی پیش گفته بود: «ما بر اساس سطح اشتراک کشورها و طالبان، هیئت خود را به روسیه و ترکیه می‌فرستیم. اگر سطح اشتراک در حد هیئت باشد، هیئت گفت‌وگوکننده‌ی دولت شرکت خواهد کرد و اگر سطحش تغییر کند، به همان سطح ما در این نشست‌ها شرکت خواهیم کرد.»

از این ادبیات مشخص است که دولت افغانستان برای این دو نشست برنامه‌ی خاصی در نظر نگرفته بود. تصورات بر این اساس بود که این نشست‌ها در ادامه‌ی نشست دوحه است و تنها کشورهای منطقه و جهان برای گفت‌وگو و تسریع صلح افغانستان، این نشست‌ها را برگزار می‌کنند.

با این حال، هرچند به کندی اما دیده می‌شود که پس از تغییر در رهبری دولت امریکا، طرح امریکا نیز برای صلح افغانستان تغییر کرده است. بایدن همه‌ی اقدامات ترامپ و تصمیم‌های بزرگ او را لغو کرد، اکثریت سران دوران ترامپ را نیز در حکومت خود نپذیرفت و توافق‌نامه دوحه را نیز به بررسی گرفت؛ اما هنوز مشخص نیست که در ارتباط به توافق‌نامه‌ی دوحه میان طالبان و امریکا، بایدن چه تصمیمی دارد.

پس از آمدن بایدن، معلوم نبود که گفت‌وگوهای صلح افغانستان چه مسیری را طی می‌کند تا این که نشست مسکو و استانبول معلوم شد و دولت افغانستان نیز نمی‌دانست که؛ این نشست‌ها در چه سطح است؛ اما به قول یکی از آگاهان، دولت امریکا و کشورهای قدرتمند در نشست مسکو خام‌کوک صلح را دوزیده و در نشست استانبول لباس صلح را بر تن افغانستان خواهد کرد.

ارایه‌ی طرح‌های متفاوت از سوی شورای عالی مصالحه و ریاست‌جمهوری افغانستان، دست‌پاچگی دستگاه حکومتی افغانستان را آشکار می‌کند و نشان می‌دهد که نشست مسکو و استانبول ربطی به دوحه ندارد و مسیر صلح افغانستان در نشست ده‌روزه‌ی استانبول مشخص خواهد شد.

نشست کمیته‌ی تهیه و توحید پیش‌نویس طرح صلح، با ریاست محمدیونس قانونی، عضو رهبری شورای عالی مصالحه‌ی ملی برگزار شد. شورای عالی مصالحه‌ی ملی، روز یک‌شنبه (۱۵ حمل)، در اعلامیه‌ای گفته است که در این نشست، طرح پیشنهادی احزاب سیاسی، اعضای کمیته‌ی رهبری شورای عالی مصالحه‌ی ملی، نهادهای مدنی و شهروندان مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس اعلامیه، تا اکنون ۲۵ حزب سیاسی و اعضای کمیته‌ی رهبری شورای عالی مصالحه‌ی ملی، طرح‌شان را برای صلح به این کمیته فرستاده‌اند که شامل ۳۰ طرح می‌شود.

یک روز پس از نشست کمیته‌ی تهیه و توحید پیش‌نویس طرح صلح، خبرگزاری رویترز، گزارش داده است که محمداشرف غنی، رییس‌جمهور افغانستان، در نشست استانبول نقشه‌ی راه صلح را در سه مرحله ارایه خواهد کرد. در این گزارش آمده است که رییس‌جمهور غنی تلاش می‌کند پیش از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در افغانستان، با گروه طالبان به توافق برسد تا آتش‌بس دایمی برقرار شود. بر اساس این گزارش، طرح پیشنهادی آقای غنی در نشست استانبول در سه مرحله ارایه می‌شود.

با این که مشاور امنیت ملی از سطح نشست ترکیه و استانبول نمی‌دانست؛ اما معلوم می‌شود با تغییر در سطح رهبری امریکا، استراتژی امریکا نیز برای صلح افغانستان تغییر کرده است و دولت افغانستان پس از نشست مسکو، این مسئله را متوجه شد.

چنان که بایدن اکثر فرمان‌های ترامپ را لغو کرد و در برابرش ایستاد، به نظر می‌رسد مکان نشست دوحه را نیز تغییر داد و به نحوی پای کشورهای عربی دخیل در صلح افغانستان را کوتاه کرده و خواست بازی را به دل‌خواه خودش پیش ببرد. به همین منظور با استفاده از خلیل‌زاد، پای گفت‌وگوهای صلح افغانستان را از دوحه بیرون کشاند و می‌خواهد در نشست ده‌روزه‌ی استانبول، قصه‌ی صلح افغانستان را به پایان برساند؛ روی همین دلیل، حکومت و شورای عالی مصالحه دچار دست‌پاچگی شده است.

اگر گفت‌وگوهای صلح افغانستان با تعدد طرح و دیدگاه‌ها که از سوی امریکا، طالبان و دولت مطرح شد به نتیجه نرسید، با اطمینان کامل محل نشست و ادامه‌ی گفت‌وگوهای افغانستان، دوحه نخواهد بود.

## ده روز تا نشست استانبول؛
# طرح ارگ با شورای مصالحه و کشورهای خارجی شریک شد

روح‌الله طاهری
گزارشگر

هم‌زمان با توحید و بررسی طرح‌های پیشنهادی احزاب از سوی شورای عالی مصالحه‌ی ملی، رییس‌جمهور غنی نیز، طرحی را به حیث نقشه‌ی راه صلح به شماری از سفارت‌خانه‌ها در کابل و شورای عالی مصالحه‌ی ملی، تحویل داده است. یک مقام ارشد حکومت افغانستان به خبرگزاری رویترز گفته است که آقای غنی، نقشه‌ی راه صلح را با چند کشور خارجی به اشتراک گذاشته است.

در گزارشی که روز یک‌شنبه (۱۵ حمل)، از سوی خبرگزاری رویترز نشر شد، آمده است که رییس‌جمهور غنی تلاش می‌کند پیش از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در افغانستان، با گروه طالبان به توافق برسد تا آتش‌بس دایمی در کشور برقرار شود.

ارگ ریاست‌جمهوری با آن که از جزییات این طرح چیزی نمی‌گوید؛ اما فاطمه مورچل -معاون سخن‌گوی ریاست‌جمهوری- در صحبت با روزنامه‌ی صبح کابل، این طرح را تایید می‌کند. خانم مورچل می‌گوید که در روزهای آینده، رییس‌جمهور غنی در کنفرانس خبری، جزییات این طرح را با مردم شریک خواهد کرد.

بر بنیاد گزارش رویترز، طرح پیشنهادی آقای غنی در نشست استانبول در سه مرحله ارایه می‌شود؛ مرحله‌ی نخست آن، اجماع در مورد توافق سیاسی و دست‌یابی به یک آتش‌بس با نظارت سازمان‌های بین‌المللی است؛ در مرحله‌ی دوم، برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری و تشکیل و استقرار یک «دولت صلح» و اجرای ترتیبات برای حرکت به سوی یک نظام سیاسی جدید، مطرح شده است؛ در مرحله‌ی سوم، ایجاد چارچوب قانون اساسی، استقرار مجدد پناهندگان و طرح توسعه را آقای غنی پیشنهاد خواهد کرد.

شماری از کارشناسان سیاسی افغانستان باور دارند که طرح آقای غنی، بیشتر برای زمان‌کشی بوده و عملی نیست؛ بنا بر این، از سوی جریان‌های دخیل در گفت‌وگوهای صلح افغانستان و جامعه‌ی جهانی، پذیرفته نخواهد شد.

مصطفا علی‌زاده -کارشناس سیاسی- به روزنامه‌ی صبح کابل می‌گوید که مرحله‌های برجسته در طرح آقای غنی، خلاف خط سرخ‌های طالبان –آتش‌بس، پیش از توافق صلح و برگزاری انتخابات- است. به‌گفته‌ی او، آقای غنی، زیرکانه طرح زمان‌بر و غیرعملی را پیشنهاد می‌کند تا زمان بیشتری برای حکومت داشته باشد. «اگر طالبان آتش‌بس را در مرحله‌ی نخست می‌پذیرفت؛ گره‌های زیادی از صلح افغانستان در دوحه باز می‌شد. طالبان اگر در انتخابات اشتراک می‌کرد، ما شاهد بن‌بست‌ها در گفت‌وگوهای صلح نبودیم.»

**طرح پیشنهادی آقای غنی در حالی به شماری از کشورهای خارجی سپرده شده که شورای عالی مصالحه‌ی ملی نیز، سرگرم بررسی و توحید طرح‌های پیشنهادی احزاب سیاسی افغانستان برای نشست استانبول است.**

رییس‌جمهور غنی پیش از این، بارها تاکید کرده است که تنها از طریق انتخابات و اراده‌ی مردم قدرت را به جانشین‌اش واگذار می‌کند. در روزهایی که زلمی خلیل‌زاد، نماینده‌ی ویژه‌ی وزارت خارجه‌ی امریکا برای صلح افغانستان، با طرح ایالات متحده به افغانستان آمد، رییس‌جمهور غنی (۱۶ حوت) در برنامه‌ی گشایش سال سوم دور هفدهم تقنینی پارلمان طرح او را «خواب و خیال روی کاغذ» خواند و برای نخستین‌بار در باره‌ی برگزاری انتخابات زودهنگام سخن گفت. او تاکید کرد که انتقال قدرت از طریق انتخابات برایش یک اصل غیرقابل معامله است. «ما آماده استیم که در مورد برگزاری انتخابات آزاد، شفاف و سرتاسری تحت مدیریت جامعه‌ی جهانی بحث کنیم. در مورد تاریخ برگزاری انتخابات هم می‌توانیم صحبت کنیم و به نتیجه برسیم.»

کارشناسان سیاسی افغانستان اما می‌گویند که با توجه به انتخابات‌های ناکام گذشته، جامعه‌ی جهانی، برای برگزاری یک انتخابات شفاف و عادلانه، به دولت افغانستان اعتماد ندارد. اسدالله ندیم -کارشناس سیاسی- می‌گوید که در مرحله‌ی نخست، برگزاری انتخابات از لحاظ مالی امکان ندارد و دوم این که؛ جامعه‌ی جهانی و ایالات متحده‌ی امریکا، پیش از برگزاری انتخابات ۹۸، به رییس‌جمهور غنی پیشنهاد کرده بودند که از انتخابات بگذرد و به حکومت مشارکتی تن بدهد؛ کاری که رییس‌جمهور غنی، خلاف آن را پیش برد.

### آیا دولت افغانستان با طرح واحد به نشست استانبول خواهد رفت؟

طرح پیشنهادی آقای غنی در حالی به شماری از کشورهای خارجی سپرده شده که شورای عالی مصالحه‌ی ملی نیز، سرگرم بررسی و توحید طرح‌های پیشنهادی احزاب سیاسی افغانستان برای نشست استانبول است.

در اعلامیه‌ی شورای عالی مصالحه ملی از نشست کمیته‌ی تهیه و توحید پیش‌نویس طرح صلح که روز یک‌شنبه (۱۵ حمل) نشر شد، آمده است؛ تا اکنون ۲۵ حزب سیاسی و اعضای کمیته‌ی رهبری شورای عالی مصالحه‌ی ملی، طرح‌های‌شان را به این کمیته فرستاده‌اند که شامل ۳۰ طرح می‌شود. «کمیته‌ی تهیه و توحید پیش‌نویس طرح صلح، روی جمع‌آوری و توحید نظریات و دیدگاه‌های احزاب سیاسی، اعضای کمیته‌ی رهبری شورای عالی مصالحه‌ی ملی و شهروندان کار کرده است.» به گفته‌ی این شورا، قرار است دولت افغانستان با طرح واحد در نشست استانبول اشتراک کند.

با آن‌که آقای غنی طرح پیشنهادی‌اش را به شورای عالی مصالحه‌ی ملی فرستاده است؛ اما به باور کارشناسان سیاسی، تفاوت دیدگاه میان ارگ ریاست‌جمهوری و شورای عالی مصالحه‌ی در رابطه به صلح افغانستان، باعث شده است که ارایه‌ی طرح واحد از آدرس دولت افغانستان در نشست استانبول دشوار باشد.

آقای علی‌زاده می‌گوید که ارگ ریاست‌جمهوری و شورای عالی مصالحه‌ی ملی، به یک‌دیگر اعتماد ندارد. «رهبران هر دو طرف منافع شخصی‌شان را در نشست استانبول جست‌وجو می‌کنند.» به باور آقای علی‌زاده، طرح رییس‌جمهور غنی در برابر طرح زلمی‌خلیل‌زاد مطرح شده است؛ در حالی که شمار زیادی از رهبران سیاسی و جهادی افغانستان از طرح آقای خلیل‌زاد برای ایجاد «دولت انتقالی صلح» حمایت کرده است.

گفتنی است که پیش از این، مجیب‌الرحمن رحیمی –مشاور ارشد شورای عالی مصالحه‌ی ملی- در گفت‌وگو با روزنامه‌ی صبح کابل، گفته بود که کمیته روی توحید این دیدگاه‌ها کار می‌کند؛ زمانی که کمیته‌ی رهبری شورای عالی مصالحه، طرح نهایی را تأیید کند، این طرح به عنوان طرح نهایی در نشست ترکیه ارایه می‌شود. «ما در حال توحید و شکل‌دادن طرح استیم و به زودترین فرصت نهایی خواهد شد. به اساس توافق ارگ و سپیدار، کمیته‌ی رهبری شورای عالی مصالحه، در این رابطه حرف نهایی را می‌زند.»

با این همه، شمارش معکوس برای برگزاری نشست استانبول شروع شده و قرار است که این نشست تا ده روز دیگر؛ یعنی در ۲۷ حمل برگزار شود. در این نشست، طرف‌های درگیر جنگ افغانستان طرح‌های‌شان را ارایه می‌کنند که با محوریت سازمان ملل‌متحد برای نظام آینده‌ی سیاسی افغانستان تصمیم گرفته خواهد شد. با این حال اما گروه طالبان تا اکنون از طرح پیشنهادی‌شان برای این نشست چیزی نگفته است. آقای علی‌زاده می‌گوید؛ بر خلاف دولت افغانستان که بارها از خط سرخ‌اش گذشته است، طالبان تا اکنون بر خط سرخ‌شان پافشاری داشته و یک وجب هم عقب‌نشینی نکرده‌اند.

# زمانه‌ی ما و نیاز به صلح

[جوان‌شاه‌بهکوش،کارشناس‌علوم‌سیاسی ]

**بخش دوم**

**مبحث ۲: فرهنگ صلح**

یونسکو معتقد است: «از آن‌جا که جنگ‌ها در ضمیر انسان‌ها به وجود می‌آید، دفاع از صلح نیز می‌باید در ضمیر انسان‌ها پرورش یابد.»

رهیافت جدید بین‌المللی، مبتنی بر پیشگیری است. موافقت تقریباً جهان‌شمول وجود دارد، مبنی بر این که پیشگیری بر درمان مرجح است و این که راه‌های پیشگیری باید متعرض علل اصلی مخاصمات شوند، نه فقط متعرض عوارض خشونت‌بار آن‌ها. جامعه بین‌الملل بر مبنای این تحولات و گستره‌ی منابعی که صلح و امنیت بین‌الملل را تهدید می‌کند، تدابیری اندیشیده و راهبردهایی را برای رویارویی با این چالش‌ها و خطرات عدیده و مداوم اتخاذ کرده است.

و اما فرهنگ صلح عبارت است از صلح در عمل؛ یعنی احترام به حقوق بشر به عنوان حقیقتی هر روزه و همیشگی که از تعامل مثلث صلح، توسعه و دموکراسی نیرو می‌گیرد. هدف فرهنگ صلح، پایبندی به گذار از فرهنگ جنگ، خشونت، تحمل و تبعیض، به سوی فرهنگ عدم خشونت، گفت‌وگو، مدارا و همبستگی است. فرهنگ صلح، اساساً با پیشگیری غیر خشونت‌آمیز از درگیری و حل‌وفصل آن مرتبط است.

ایده‌ی فرهنگ صلح در برنامه‌های یونسکو برای اولین‌بار در سال ۱۹۸۹ در کنگره بین‌المللی «صلح در اذهان انسان‌ها»، در شهر یاماسوخرو در ساحل عاج مطرح شد. در اعلامیه‌ی نهایی این کنگره، به یونسکو توصیه شد تا در پایه‌ریزی دیدگاه جدیدی از صلح از طریق توسعه یک فرهنگ صلح مبتنی بر ارزش‌های جهانی، احترام به حیات، آزادی، عدالت، همبستگی، مدارا، حقوق بشر و برابری میان زنان و مردان کمک کند.

جان گالتونگ، اندیش‌مند مطالعات صلح، می‌گوید: امتحان اعتبار فرهنگ صلح چگونگی اثر بر رفتار افراد در تعارضات است. فرهنگ صلح، فرهنگ گفت‌وشنود و فرهنگ مفاهمه است.

فرهنگ صلح در پی تحقق‌بخشیدن به امور زیر است:

✓دگرگونی و جایگزینی ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها و رفتارهای موجود با گرایش‌ها و رفتارهای مروج صلح و نفی خشونت؛

✓توان‌مندسازی مردم در همه سطوح با مهارت‌های گفت‌وگو، میانجی‌گری، مدارا و هم‌دلی؛

✓از میان برداشتن ساختارهای سلطه‌جو و استعمارگر از طریق مشارکت دموکراتیک و توان‌مندسازی مردم برای ایفای نقش فعال در فرایند توسعه؛

✓امحای فقر و نابرابری تبعیض‌آمیز در بین ملت‌ها و ترویج توسعه‌ی پایدار انسانی مبتنی بر مشارکت اجتماعی؛

✓توان‌مندسازی اقتصادی و سیاسی زنان و فراهم کردن فرصت‌ها و زمینه‌های حضور برابر با مردان در همه سطوح تصمیم‌گیری؛

✓حمایت از جریان آزاد اطلاع‌رسانی و گسترش پاسخ‌گویی و شفافیت در حاکمیت و تصمیم‌گیری اجتماعی و اقتصادی؛

✓پیشبرد تفاهم، دیگرپذیری و همبستگی در بین همه ملت‌ها و احترام به تنوع فرهنگی جوامع.

یونسکو، دست‌یابی به فرهنگ صلح را هدف راهبرد میان‌مدت خویش برای سال‌های (۱۹۹۶-۲۰۰۱) از طریق همه زمینه‌های فعالیت‌های خود قرار داد. در این راهبرد، فرهنگ صلح شامل ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها و رفتارهایی است که بیان‌گر و الهام‌بخش اعمال افراد در مشارکت متقابل اجتماعی مبتنی بر اصول آزادی، عدالت و دموکراسی، رعایت حقوق همه، دگرپذیری و همبستگی، نفی خشونت، تلاش برای پیشگیری از جنگ و حل مشکلات از طریق گفت‌وگو و مشارکت کامل انسان‌ها در فرایند توسعه جوامع است.

به منظور اشاعه فرهنگ صلح، باید از همه سازوکارهای موجود، به ویژه آموزش استفاده کرد. ایجاد فرهنگ صلح، نیازمند اقدامات جامع آموزشی، اجتماعی و مدنی برای مردم در هر سنی است. یونسکو در برنامه میان‌مدت خود راهبردهای مشارکت در ایجاد فرهنگ صلح را به شرح زیر بیان کرده است:

- تشویق آموزش صلح، حقوق بشر، دموکراسی، دگر پذیری و تفاهم بین‌المللی؛
- ترویج حقوق بشر و مبارزه با تبعیض؛
- حمایت از تحکیم روندهای دموکراتیک؛
- تشویق کثرت‌گرایی فرهنگی و گفت‌وگوی میان فرهنگ‌ها؛
- مشارکت در پیشگیری از مناقشات و تحکیم صلح پس از درگیری‌ها.

در مبحث بعد به بررسی حق بر صلح به منزله مایه و پایه‌ی تحکیم صلح پرداخته می‌شود. حقی که حکومت قانون در جهت حمایت از آن در فضای پس از مخاصمه می‌پوید.

**مبحث۳: حق برصلح**

جنگ، کاری غیر عقلانی و غیر طبیعی در مقابل، صلح، امری طبیعی، ضروری و عقلانی است.

باید صلح همیشه باشد و جنگ هیچ گاه نباشد؛ اما بر عکس، صلح هیچ‌گاه نبوده و جنگ همیشه و هم‌واره قرین زندگی بشری است! هم‌زمان و همگام با پیشرفت انسانی در ابعاد و وجوه مختلف فرهنگ و تمدن انسانی، آیا جنگ پیشرفت کرده یا صلح؟ امروزه دنیای انسانی نسبت به تاریخ گذشته، هم صلح‌آمیز به نظر می‌رسد و هم خشونت‌آمیز! جنگ‌ها تا اکنون بیست بار تمدن‌های انسانی را واژگون کرده است.

به نظر می‌رسد حق بشر بر صلح، زیر بنای تحقق تمام حق‌های بشری دیگر است. تجلی این حق و

**پس از جنگ جهانی دوم، مجموعه‌ای از ساختارها برای عمل مشترک و هماهنگ ایجاد شد تا ملت‌های دنیا بتوانند به یاری آن برای تامین صلح جهانی، رفاه مشترک و آسایش تمام خلق‌ها همکاری کنند. یونسکو یکی از این ساختارها است که رویکرد آموزشی و ترویجی به صلح دارد و تا اکنون اقدامات متعددی در این رابطه انجام داده است.**

نقش‌آفرینی آن در آزادی و بهره‌وری از آن برجسته می‌شود.

تعالی شأن و منزلت انسانی و کرامت و بالندگی انسان، نه تنها در فردیت خویش، بلکه در کل بشریت تجلی می‌یابد؛ شاید از همین رو است که این حق بشری را در نسل سوم حقوق بشر، قرار داده‌اند؛ زیرا پس از گذر از دوران آزادی (حقوق مدنی، سیاسی) و برابری (حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)، دوران برادری سر رسید و عصر همبستگی همان‌گونه که دوگی و ژرژسل بر آن معتقد بودند، با بشریت پیوند یافت.

مبنای فلسفی و حقوقی حق بر صلح به عنوان یک حق جمعی و اساسی بشر، در حقوق بنیادی بشر نسبت به حیات و نیز توافق‌نامه‌های مابین دولت‌ها مبنی بر حق زندگی در صلح، بنا نهاده شده است. این «حق مقدس» به منزله احترام به ارزش‌های اساسی، احترام به حیات، آزادی، عدالت، برابری، شأن ومنزلت انسانی است.

**مبحث۴ :آموزش صلح**

صلح، مجموعه‌ای از آگاهی، اطلاعات، درک و فهم‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های صلح‌آمیز است که هر فرد برای زندگی در جامعه به آن نیاز دارد. از این رو آموزش صلح یکی از نیازهای اساسی است که افراد برای زندگی در دنیای امروز به آن وابسته اند. بسیاری از نظام‌های ملی آموزشی در هزاره‌ی سوم، آموزش برای زندگی در آینده را از مهم‌ترین برنامه‌های خود معرفی کرده است. یادگیری باهم‌زیستن، آموزش برای تفاهم بین‌المللی، آموزش برای توسعه، آموزش چند فرهنگی، آموزش شهروندی و آموزش ترویج صلح در قالب پروژه‌ی آموزش جهانی صلح برای همه، از جمله مهم‌ترین آن‌ها است.

آموزش صلح، رشته‌ی نوپایی است که در صدد است، فرصت‌های لازم را، برای ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر عدالت و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز ایجاد کند. در خصوص اهداف و مقاصد آموزش صلح دیدگاه‌ها و نظرات متفاوتی ارایه شده است.

یک تعریف مفید از آموزش صلح، می‌گوید: آموزش صلح، تلاشی است برای ایجاد جامعه‌ای برابر و عادلانه که در آن کرامت و شأن انسانی مورد توجه قرار گیرد. این تعریف مبتنی بر مفهوم صلح مثبت است.

آموزش صلح یک جنبش گسترده‌ی جهانی، رشته‌ای متفاوت و پیوسته در حال تغییر است. آموزش صلح با نام‌ها و رویکردهای مختلفی تدریس می‌شود؛ مانند حل تعارض، آموزش چندفرهنگی، آموزش توسعه، مطالعات نظم جهانی و اخیراً آموزش محیط زیست. هر یک از این رویکردها، گروه ویژه‌ای از مشکلات را که به بی‌عدالتی‌ها، تعارضات و جنگ‌ها منجر شده است، مخاطب قرار می‌دهد؛ اما آن‌چه در همه‌ی این رویکردها مشترک است، خاصیت پیشگیرانه‌ی این آموزش‌ها است..

اساس عقلانی آموزش صلح و خشونت، کنترل آن، کاهش و حذف آن است و اساس عقلانی آموزش حقوق بشر، شأن انسانی، شناخت آن، اجرای آن و عمومی‌کردن آن است. حقوق بشر می‌تواند شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را به گونه‌ای تغییر دهد که انسجام اجتماعی و حل مسالمت‌آمیز اختلافات را به دنبال داشته باشد. رابطه جدانشدنی بین حقوق بشر و صلح در اولین جمله‌ی مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «شناسایی شأن ذاتی انسان و حقوق برابر و جدایی‌ناپذیر همه اعضای خانواده بشری، اساس آزادی، عدالت و صلح در سراسر دنیا است». هم محققین و فعالان صلح و هم طرف‌داران حقوق بشر هر دو در مورد این که خشونت به هر شکل ممکن تجاوز به شأن انسانی است، با هم توافق دارند. به این دلیل است که بعضی آموزش‌دهندگان حل‌وفصل اختلافات و آموزش چندفرهنگی، آموزش توسعه و مطالعات نظم جهانی و مقوله‌های حقوق‌بشری را در مواد درسی خود وارد می‌کنند.

به طور کلی همه آموزش‌های صلح باید دارای ویژگی‌های زیر باشند:

۱. آموزش‌ها باید حساس به هنجارها و فرهنگ‌های سنتی باشند؛

۲. استفاده از تکنولوژی برای ایجاد هماهنگی برنامه‌های آموزشی برای صلح با ارزش‌ها و سنت‌ها و فرهنگ‌های جوامع؛

۳. گسترش مفهوم دانش‌جویان بالقوه برای شامل ساختن تمام افراد برای فعال شدن؛

۴. استفاده از منابع آموزشی مقتضی محلی و روش‌های تقویت تنوع و بهبود فرایند انتقال و پایدار صلح؛

۵. ادغام مفاهیم محیط‌زیستی و امنیت انسانی و ایجاد صلح ساختاری و حل تعارض و آشنایی با مهارت‌ها؛

٦. آموزش ارتباطات غیر خشونت‌بار؛

۷. ظرفیت‌سازی نهادهای ارتباطی با آموزش‌های تخصصی برای تقویت فرهنگ صلح.

در اهمیت آموزش صلح، آرچیبالد مک لش می‌گوید: «البته ما می‌توانیم صلح جهانی را آموزش دهیم؛ حتا می‌خواهم فراتر بروم و به سهم خود بگویم که جز از راه آموزش، از هیچ راه دیگری نمی‌توان به صلح جهانی رسید. منظورم آموزش مردم جهان است. این توافق‌نامه‌هایی که میان دولت‌ها امضا می‌شود، تنها به از میان رفتن اختلافات مردم جهان کمک می‌کند، که ممکن است روزی مایه‌ی جنگ شود. صلح اما چنان که همه ما شروع به درک آن کرده ایم، چیز بسیار بزرگ‌تر از عدم جنگ است. صلح امری ایجابی و مثبت است نه سلبی و منفی. صلح نوعی هم‌زیستی است که جنگ را یک‌سره نفی می‌کند، نه یک دوره‌ی بدون جنگ که در آن دوره، مردم می‌کوشند با هم زندگی کنند.»

در مورد اهداف آموزش صلح گفته شده؛ آموزش صلح، باید مردم را تشویق کند تا الگوهای زندگی‌شان را مورد بررسی نقادانه قرار دهند و این فرصت را در اختیار آن‌ها قرار دهد تا خویشتن را در مورد مواجهه با موضوعات مرتبط با صلح مورد بازنگری قرار دهند. بنا بر این، آن‌ها به یک خودپنداره‌ی اصلاح‌یافته دست می‌یابند که آن‌ها را در درک عمیق‌تر جهان و جامعه کمک می‌کند. این هدف حاصل دیدگاهی در تحکیم صلح است که به آن پارادایم استحاله می‌گویند.

پس از جنگ جهانی دوم، مجموعه‌ای از ساختارها برای عمل مشترک و هماهنگ ایجاد شد تا ملت‌های دنیا بتوانند به یاری آن برای تامین صلح جهانی، رفاه مشترک و آسایش تمام خلق‌ها همکاری کنند. یونسکو یکی از این ساختارها است که رویکرد آموزشی و ترویجی به صلح دارد و تا اکنون اقدامات متعددی در این رابطه انجام داده است. به این ترتیب، آموزش صلح به تدریج از اواخر دهه ۱۹۵۰ متمایل به حرفه‌ای‌شدن شده و باعث افزایش رشد نهضت‌های صلح‌خواهی و تغییر روش و رویکرد آن‌ها به سوی آموزش و فرهنگ‌سازی شد. با این شکل آموزش صلح در این دوره، وارد ریشه‌یابی و پیشگیری علل جنگ‌ها و برخورد با آن‌ها شد.

نمونه‌های عملی و تجربه‌های فراوانی در زمینه‌ی اجرای مؤفقانه‌ی آموزش صلح وجود دارد که در آن، شکاف‌های عمیق اجتماعی، بدبینی‌ها، بی‌اعتمادی‌ها و مشکلات در جامعه‌های چندپارچه، پاسخ‌های مناسب یافته‌اند. به گونه‌ی مثال، می‌توان از ایرلند شمالی، قبرس، افریقای جنوبی، جمهوری دومینیکن و بروندی به عنوان مثال‌هایی یاد کرد که در آن، برنامه‌ها و آموزش‌های صلح با پیروزی اجرا شده و پیامدهای سازنده و مطلوب در بر داشته است.

**بند ۱: ابعاد و مولفه‌های آموزش صلح**

الف- دانش صلح

منظور از دانش صلح، مجموعه‌ای از آگاهی، اطلاعات، درک و فهم‌های صلح‌آمیز است که هر فرد برای زندگی در جامعه نیاز دارد. در این رابطه می‌توان مولفه‌هایی نظیر آگاهی از مفاهیم و نحوه به‌دست‌آوردن اطلاعات، آگاهی از حقوق و آگاهی‌های فردی، آشنایی با مفهوم تغییر، آگاهی از قوانین و مقررات اجتماعی و... را در نظر گرفت.

**ب- توانش صلح**

منظور از توانش صلح، مجموعه‌ای از مهارت‌ها، قابلیت‌ها و توان‌مندی‌هایی است که فرد برای رفتار صلح‌آمیز به آن نیاز دارد. در این رابطه، می‌توان مولفه‌هایی نظیر توانایی احترام به حقوق و درک متقابل، گفت‌وگو و تفاهم، مهارت‌های ارتباطی و ... را در نظر گرفت.

**ج- نگرش صلح**

منظور از نگرش صلح، مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، باورها و دیدگاه‌های صلح‌آمیز است که برای یک فرد ضروری است. در این رابطه می‌توان مولفه‌هایی نظیر تقویت فرهنگ بردباری و محو خشونت و درگیری، پرورش روحیه مشارکت، همکاری و... را در نظر گرفت.

ادامه دارد...

# یک سال کرونا در افغانستان چگونه گذشت؟

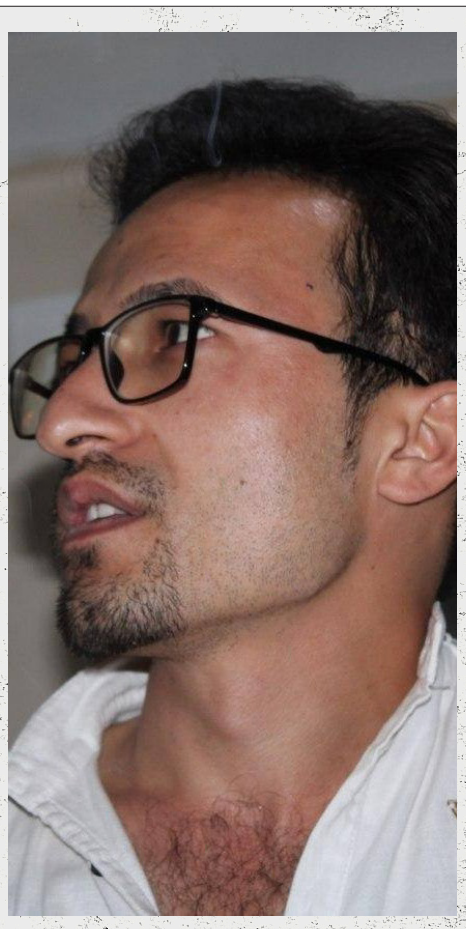

**شرکت‌کنندگان برنامه تأکید کردند که کشورهای موفق در امر مبارزه با کرونا، سه نکته مراعات کردند. داکتر انصاری گفت: «نخست، هر کسی که اعراض وعلایم کرونا را داشتند برردند. دوم؛ مسئله پیگیری است. به کسانی که کرونا داشتند، تعقیب کردند که با کدام تست کردند. سومین کار، تداوی است. در کشورهای موفق، کسانی که به بیماری کرونا تعداد شان در خانه بستر و مورد تداوی قرار گرفتند.»**

حیات بودا

**«اگر ما از نظر روان‌شناسی بررسی کنیم، این موضوع وابسته به درک مردم از خطرات است. این بازهم به نحوی به فکتورهای اجتماعی و فرهنگی یک کشور مرتبط است. مثلا در امریکا تعداد واقعات فوتی زیاد است؛ آن‌ها یک فرهنگ متفاوت دارند، اول مردم به دولت، دوم به رسانه‌ها و سوم به نظریات داکترها توجه نکردند. تقریبا ۴۰ درصد مردم اعتماد نداشتند. یکی از فکتورهای اساسی، سیاست‌گذاری است و موضوع دوم سرمایه‌گذاری بالای تغییر سلوک اجتماعی مطرح است.»**

به تازگی روزنامه‌ی صبح کابل، میز گردی را به گونه‌ی آنلاین از طریق «زوم» برگزار کرده که در آن، به یک‌سالگی همه‌گیری ویروس کرونا در افغانستان، چگونگی مدیریت این پاندمی و موثریت واکسین‌هایی که برای مبارزه با آن ساخته شده را، به بررسی گرفته است.

این برنامه، چهارشنبه‌شب (۱۱ حمل)، با گردانندگی نصیر ندیم ،سردبیر روزنامه‌ی صبح کابل و حضور داکتر نصرت انصاری، استاد در دانشگاه آمستردام و عضو کمیته‌ی ساینس وزارت صحت عامه، عبدالله احمدی، عضو کمیته‌ی رهبری گروه مشترک کاری نهادهای جامعه‌ی مدنی، داکتر سیداحمد گوهری، کارشناس ارشد صحت عامه و داکتر طب، مجیب ارژنگ، دبیر اجرایی روزنامه‌ی صبح کابل و عبدالرازق اختیاربیگ خبرنگار این روزنامه برگزار شد.

در آغاز برنامه از داکتر انصاری پرسیده شد که آیا مدیریت بحران کرونا در افغانستان و جهان موفقانه بود یا خیر؟ او در پاسخ به این پرسش گفت که؛ نظر به وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشورها، مدیریت ویروس کرونا در کشورهای جهان نیز مختلف بود. سیاست‌گذاری، اقتصاد و زمینه‌های اجتماعی، سه عامل مهم برای مدیریت بهتر ویروس کرونا درجهان است. بسیاری از کشورهای بزرگ مانند امریکا با اقتصاد بسیار قوی نتوانست کرونا را به گونه‌ی درست آن مدیریت کند؛ اما در مقابل بسیاری از کشورهای کوچک؛ مانند نیوزیلند با نفوس کم توانستند موفقانه با کرونا مبارزه کند. «از نقطه نظر سیاسی چیزی که مهمه، این است که در یک کشور چطور سیاست‌مداران‌ان در میان مردم اعتماد را خلق می‌کنند. چقدر شفافیت و حساب‌دهی وجود دارد و چقدر مردم بالای سیاست‌مداران شان اعتماد می‌کنند. اعتمادسازی نقش اساسی را دارد.»

به باور داکتر انصاری، چیزی که در مدیریت ویروس کرونا نقش بسیار اساسی داشت، چگونگی هزینه‌هایی بود که برای مبارزه با کرونا پرداخته شد. او تصریح می‌کند که کشورهای با اقتصاد خوب حداقل توانستند در قسمت بهبود خدمات صحی خوب ظاهر شوند و برای مبارزه با این ویروس، طرزالعمل‌های زیادی را ساختند.

در مورد چگونگی عرضه خدمات صحی در افغانستان، اکثر شرکت‌کنندگان در این میز گرد، دیدگاه منفی داشتند؛ زیرا به باور آن‌ها، این کشور جزو کشورهای فقیر در جهان است که زیربناهای اقتصادی آن در جریان جنگ‌ها به کلی از بین رفته و نتوانست خدمات صحی را در وقت نیاز به بیماران کرونایی عرضه کند.

شرکت‌کنندگان برنامه تأکید کردند که کشورهای موفق در امر مبارزه با کرونا، سه نکته‌ی اساسی که گرفتن آزماییش، پیگیری و تداوی بود را، به گونه‌ی جدی مراعات کردند. داکتر انصاری گفت: «نخست، هر کسی که اعراض وعلایم کرونا را داشتند، تست می‌شدند؛ همین بود که تعداد تست‌های خود را به زودی بلند بردند. دوم؛ مسئله پیگیری است. به کسانی که کرونا داشتند، تعقیب کردند که با کدام افراد در تماس بودند، با هر کسی که در تماس بودند، آن‌ها را پیگیری و تست کردند. سومین کار، تداوی است. در کشورهای موفق، کسانی که به بیماری کرونا مبتلا شده بودند، تداوی درست شد. یک تعدادشان در مراکز صحی و یک تعداد شان در خانه بستر و مورد تداوی قرار گرفتند.»

به باور او، در افغانستان اما به دلیل امکانات کم، مدیریت کرونا موفقانه انجام نشده است؛ زیرا تعداد تست‌ها به پایین‌ترین سطح بود. « وقتی ما تست نکنیم، چه رقم بدانیم که که‌ها به ویروس کرونا مبتلا شده‌اند.»

او می‌گوید که در افغانستان هیچ‌گونه پیگیری وجود نداشت و مشخص نبود، افرادی که به ویروس کرونا مبتلا شده‌اند، با فرد دیگری در تماس بوده یا خیر. سومین و آخرین مرحله برای مبارزه با کرونان، درمان آن است. داکتر انصاری، می‌گوید: «کیفیت عرضه‌ی خدمات صحی در افغانستان به پایین‌ترین حد آن قرار دارد. امکانات لازم در شفاخانه‌ها موجود نیست. با وجود همه‌ی مشکلات، پیشرفت‌هایی هم بود که نباید نادیده گرفته شود.»

در بخش دیگر برنامه از داکتر سیداحمد گوهری پرسیده شد که کرونا چگونه از چین به افغانستان آمد و آیا می‌شد، این کشور با بستن مرزهایش از ورود آن جلوگیری کند؟

داکتر گوهری در این مورد گفت: «در افغانستان متاسفانه ما در شرایط خاص قرار گرفتیم. واگیری کرونا یک بحث جهانی بود، افغانستان هم استثنا نبود. دیر یا زود با این ویروس مواجه شدیم. کشورها به اندازه‌ی ظرفیت خود با این ویروس مبارزه کردند. در ماه دسامبر ۲۰۱۹ ویروس کرونا در ووهان چین شناسایی شد. به تعقیب سازمان جهانی صحی، اعلام کرد که پاندمی کرونا جهانی است.» به گفته‌ای او، چند عامل عمده برای ورود ویروس کرونا در افغانستان نقش داشت؛ موجودیت میلیون‌ها مهاجر افغانستانی در ایران و باز بودن مرزهای افغانستان-ایران، از مهم‌ترین عواملی بود که سبب شد ویروس کرونا پس از ایران به افغانستان شیوع پیدا کند.

او افزود: «همه‌ی کشورها رفت‌وآمد خود را با چین ممنوع کرد؛ ولی ایران به دلیل مسأیل مختلف این کار را نکرد. موجودیت میلیون‌ها مهاجر، زمینه‌ی مساعد برای شیوع کرونا شد؛ زیرا این‌ها در رفت‌وآمد بودند. این باعث شد که اولین واقعات را از سرحدات غربی داشته باشیم.»

پرسش بعدی این بود؛ با وجودی که افغانستان وضعیت خوب سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ندارد؛ آمار مرگ‌ومیر تخمینی که نشر می‌شد، قریب به واقعیت بود یا خیر و آیا همه‌ی شهروندان به خدمات درمانی ویژه‌ی کرونا دسترسی داشتند؟

داکتر انصاری در پاسخ گفت: وقتی که سیستم ثبت در یک کشور به گونه‌ی استندرد وجود نداشته باشد، خیلی دشوار است، ارقام آن گونه که است، ثبت شود. به گفته‌ای او، در کشورهای پیشرفته‌ی جهان، سرتفکیت تولد و ثبت فوتی‌ها، از مهم‌ترین راه‌کارها برای آمارگیری است، که در افغانستان هیچ کدام از این سیستم‌ها موجود نیست.

آقای انصاری گفت: «در افغانستان هرکسی که به هر دلیلی فوت می‌کند، ثبت نمی‌شود. تنها افرادی که در چهار طرف‌شان زندگی می‌کنند، باخبر می‌شوند، سایر افراد بی‌خبر می‌مانند. خودتان تصور کنید، ازبین ۳۶ میلیون نفوس در افغانستان، تنها ۲۴۰۰ نفر در جریان کرونا فوت کرده است.»

او در ادامه گفت که در گزارش‌های سازمان جهانی صحت، افغانستان کمترین میزان مبتلایان و مرگ‌ومیر را دارد؛ به این معنا که هرگز مشخص نخواهد شد که در افغانستان چند نفر به ویروس کرونا مبتلا شده و در نتیجه‌ی آن، چند نفر نیز جان باخته است.

به باور داکتر انصاری، دولت باید روی برنامه‌های کلان صحی بیشتر سرمایه‌گذاری کند تا سیستم منظم صحی در کشور ایجاد شود.

از سویی هم، عبدالرازق اختیاربیگ، خبرنگار روزنامه‌ی صبح کابل که از ابتدا شیوع ویروس کرونا تا اکنون این روند را نظارت کرده و از آن گزارش تهیه کرده، در بخش اریه‌ی خدمات صحی به شهروندان، گفت که به دلیل ضعف بنیه‌های اقتصادی، حتا پیش از شیوع این ویروس، در افغانستان خدمات صحی به گونه‌ی موثر برای شهروندان عرضه نمی‌شد. به گفته‌ای او، از آن‌جا که ویروس کرونا یک‌باره شیوع پیدا کرد، دولت افغانستان را غافل‌گیر کرد. «دولت هرچند قبل از شیوع ویروس کرونا اعلام آمادگی کرد؛ اما با ثبت نخسین مورد در هرات و پس از آن، مردم هم‌واره از نبود خدمات صحی مناسب انتقاد می‌کردند. در روزهای نخست، وقتی یک شخص تست کرونا می‌داد، باید ۱۰ تا ۱۵ روز انتظار می‌کشید تا نتیجه‌اش معلوم می‌شد. حتا مواردی گزارش شد که پس از مرگ فردی که آزمایش کرونا داده، مشخص شد که او کرونا دارد. در اوایل تنها یک شفاخانه‌ی افغان‌جاپان برای بیماران کرونایی بود.»

شرکت‌کنندگان این میز گرد، در کل به این باور بودند که دولت افغانستان نتوانست در زمان همه‌گیری کرونا، خدمات لازم صحی را برای شهروندان کشور فراهم کند.

بحث جدی دیگر، وضع قرنتین یا محدودیت‌های رفت‌وآمد بود. در این بخش از مهمانان پرسیده شد که چرا پس از گذشت دو-سه ماه نخست قرنتین، شهروندان دیگر به محدودیت‌ها پشت پا زدند و کرونا را جدی نگرفتند؟

به گفته‌ی شرکت‌کنندگان این برنامه، فکتورهای اجتماعی و فرهنگی، مشکلات اقتصادی و خستگی مردم از قیودات، سبب شد که با گذشت چند ماه از همه‌گیری ویروس، وضعیت به حالت عادی برگشته و گردهم‌آیی‌های مردمی از سرگرفته شد.

داکتر انصاری گفت: «اگر ما از نظر روان‌شناسی بررسی کنیم، این موضوع وابسته به درک مردم از خطرات است. این بازهم به نحوی به فکتورهای اجتماعی و فرهنگی یک کشور مرتبط است. مثلا در امریکا تعداد واقعات فوتی زیاد است؛ آن‌ها یک فرهنگ متفاوت دارند، اول مردم به دولت، دوم به رسانه‌ها و سوم به نظریات داکترها توجه نکردند. تقریبا ۴۰ درصد مردم اعتماد نداشتند. یکی از فکتورهای اساسی، سیاست‌گذاری است و موضوع دوم سرمایه‌گذاری بالای تغییر سلوک اجتماعی مطرح است.»

به گفته‌ای او، نبود سرمایه‌گذاری برای تغییر سلوک

**ه‌ی اساسی که گرفتن آزماییش، پیگیری و تداوی بود را، به گونه‌ی جدی**
**د، تست می‌شدند؛ همین بود که تعداد تست‌های خود را به زودی بلند**
**افراد در تماس بودند، با هر کسی که در تماس بودند، آن‌ها را پیگیری و**
**مبتلا شده بودند، تداوی درست شد. یک تعدادشان در مراکز صحی و یک**

اجتماعی، عدم اعتماد مردم به دولت و فقر، از مهم‌ترین عواملی بود که کرونا در افغانستان از سوی شهروندان جدی گرفته نشد؛ در غیر این صورت، کرونا در افغانستان وجود داشت و هنوز هم وجود دارد و مردم را به کشتن می‌دهد.

این در حالی است که بسیاری از کشورهای جهان، هم‌زمان با ثبت نخستین موارد کرونا محدودیت‌های جدی‌ای را برای رفت‌وآمد شهروندان‌شان وضع کردند. این محدودیت‌ها، شامل قرنتین کامل (ماندن مردم در خانه‌ها)، پوشیدن ماسک، عدم تجمع در مکان‌های عمومی و رعایت توصیه‌های بهداشتی می‌شد.

با این حال در افغانستان اما به دلیل مشکلات اجتماعی، مردم از توصیه‌ها و محدودیت‌های وضع‌شده سرباز زدند و قرنتین پس از مدتی خود به خود شکسته شد. داکتران صحی به این باور اند که قرنیتن جدا از بحث اقتصادی، مردم را دچار اختلالات روانی نیز کرد و همین سبب شد که محدودیت‌ها از سوی مردم جدی گرفته نشود.

گفتنی است که در کشورهای دیگر، دولت‌ها برای تشویق مردم به پذیرش قرنتین، کمک‌های فراوانی را روی دست گرفتند و نیازهای اولیه‌ی زندگی‌شان را حتا تا دم در خانه‌های شان منتقل می‌کرد؛ اما برعکس، در افغانستان ارایه‌ی چنین خدماتی از توان دولت بیرون بود. روی همین دلیل، دولت نتوانست مردم را به پذیرش محدودیت‌های قرنتین قانع کند.

**کمک‌های دولت افغانستان به مردم و پیامدهای اقتصادی ناشی از کرونا**

محور دوم بحث تأثیرات ویروس کرونا روی فعالیت‌های اقتصادی و در کنار آن نظارت نهادهای ناظر از روند کمک‌دهی دولت به مردم بود.

در نخست از مجیب ارژنگ –خبرنگار ارشد روزنامه‌ی صبح کابل- پرسیده شد که تاثیر ملموس و عینی کرونا بر اقتصاد افغانستان چه بود و همه‌گیری آن، روی فعالیت شرکت‌های تولیدی خصوصی و دولتی در افغانستان چه اثرهایی گذاشت؟

آقای ارژنگ در پاسخ به این پرسش، گفت که ویروس کرونا و وضع محدودیت‌ها خواسته یا ناخواسته تأثیرات جدی روی فعالیت‌های اقتصادی گذاشت و به گفته‌ای او، در مرحله‌ی نخست، مرزهای کشور بسته شد و تبادلات اقتصادی چه از راه زمینی و چه هوایی به کم‌ترین میزان آن رسید.

به اساس گفته‌های آقای ارژنگ، در سه ماه نخست همه‌گیری کرونا، صادارت افغانستان ۲۸ درصد کاهش یافت و همین‌گونه واردات نیز ۲٦ درصد. « در کل درآمد ملی افغانستان، دچار کسر ۳۱ میلیارد افغانی شد. در تولیدات ناخالص ملی هم دچار افت ۵درصدی شدیم. فعالیت‌های خرد و ریزه‌ی اقتصادی، به شمول شرکت‌های تولیدی، توقف یافت؛ مثلا ۸۰ درصد شرکت‌های تولیدی از فعالیت باز ماند.»

بر اساس معلومات او، در سه ماه نخست، تاجران افغانستان بیشتر از ۱٫۵ میلیارد دالر زیان دیدند و در مجموع اقتصاد افغانستان با رشد منفی روبه‌رو شد.

آقای ارژنگ، هم‌چنان گفت که وضع محدودیت‌ها نه تنها که بر فعالیت‌های اقتصادی تأثیر منفی گذاشت؛ بلکه سبب شد، ۲ میلیون نفر در کشور از کار بار بمانند و تنها ۱ میلیون نفر در چارچوب دولت کار داشتند.

او گفت که بر اساس گزارش‌ها در جریان همه‌گیری کرونا، فقر در افغانستان ۱۸ درصد افزایش یافت و دولت هم نتوانست، برنامه‌ی اساسی برای رفع نیازها و بهبود وضعیت زندگی مردم و تاجران داشته باشد. چند برنامه‌ای که از سوی دولت روی دست گرفته شد –توزیع گندم، نان خشک- نیز، با فسادهای گسترده به هم‌راه بود.

گروه مشترک کاری نهادهای جامعه‌ی مدنی، یکی از نهادهایی بود که از جریان همه‌گیری ویروس کرونا در افغانستان و مصرف کمک‌هایی که به کشور صورت گرفت، نظارت می‌کرد. از عبدالله احمدی، نماینده‌ی این نهاد، پرسیده شد که؛ بودجه‌ای که در افغانستان برای مبارزه با ویروس کرونا اختصاص یافته بود و به مصرف رسید، توانست موفق باشد، فساد صورت گرفت یا خیر؟

آقای احمدی می‌گوید که هم‌زمان با گسترش ویروس کرونا، دولت افغانستان بودجه‌ی هنگفتی - نزدیک به ۷ میلیارد افغانی- را برای مبارزه با ویروس کرونا اختصاص داد. او با انتقاد از رهبری دولت و کمیته‌ی مشترک مبارزه با کرونا، تأکید کرد که زمینه‌ی نظارت برای نهادهای جامعه مدنی فراهم نشد و آن‌ها نتوانستند از چگونگی مصرف بودجه‌ی کرونا نظارت کنند.

آقای احمدی افزود: «دولت چون اراده برای مسأیل کلانی چون کرونا ندارد. همین است که اطلاعات با مردم و جامعه مدنی شریک نمی‌شد. پول‌ها به صورت اتومات مصرف و حیف‌ومیل شد. مردم و جامعه‌ی مدنی از دسترسی به صورت مسئله‌ی بودجه کرونا بی‌خبر ماند. پروژه‌های فوری‌ای از سوی دولت دیزاین شد؛ چون برنامه‌ی نان خشک. این در نفس خود یک برنامه خوب بود؛ اما از همین بودجه نیز دزدی شد و به افراد نیازمند نرسید.»

به گفته‌ی آقای احمدی، مسئولان مرکزی و ولایتی؛ چون والی ولایت‌ها که ارتباط مستقیمی با مصرف بودجه‌ی کرونا داشتند، از پول اختصاص‌یافته دزدی کردند، هیچ‌گونه بازپرسی از آن‌ها صورت نگرفت و برعکس مورد تقدیر قرار گرفتند. او تصریح کرد که از پول اختصاص‌یافته برای مبارزه با کرونا، برای دیکور دفتر والی و یا برای مواردی که به کرونا ربط نداشت، مصرف شد. «در کل بودجه‌ای که از سوی دولت افغانستان اختصاص یافته بود، پول خوبی بود، استفاده‌هایی هم صورت گرفت؛ ولی از بخش زیادی از بودجه سوی استفاده صورت گرفت. وزارت صحت عامه نیز در این زمینه کم‌کاری کرده است.»

در این بخش از اختیاربیگ که چندین گزارش در مورد استفاده‌ی نادرست از بودجه –فساد- کرونا نوشته، پرسیده شد که؛ آیا در جریان همه‌گیری کرونا، به دلیل شغلی که دارد، با موردی از فساد در مصرف بودجه‌ی کرونا برخورده است. او در پاسخ گفت که برای نخستین‌بار در روزهای قرنتین، گزارشی از شفاخانه‌ی ولایتی پروان نشر شد، که در کنار سایر استفاده‌های نادرست از بودجه‌ی کرونا، موردی بود که یک ترموز چای که بیش از ۵۰۰ افغانی ارزش ندارد، به قیمت ۵ هزار افغانی خریداری شده بود. همین‌گونه، او گفت که بر اساس گزارش اداره‌ی بازرس ویژه‌ی ریاست‌جمهوری، در ۱۳ ولایت افغانستان به گونه‌ی گسترده از بودجه‌ی کرونا استفاده‌ی سو شده و برای چگونگی مصرف آن، سندی وجود ندارد.

او افزود: «تنها در ولایت کندهار بیش از ۴۰ میلیون افغانی از بودجه‌ی کرونا حیف‌ومیل شده است. در این ولایت، از بودجه‌ی کرونا، موتر کرولای دفتر را ترمیم کردند و یا رفتند میز ولادت خریداری کردند. چیزی که جالب است، وقتی به ریاست صحت عامه، یا سایر افرادی که در استفاده از بودجه‌ی کرونا دست داشتند، صحبت کردیم، مسأیل را طوری توجیه کردند که گویا هیچ فسادی صورت نگرفته است.»

**نگرانی‌ها و امیدواری‌ها از ساخت واکسین کرونا**

یک سال پس از همه‌گیری ویروس کرونا، دست‌کم بیش از ۱۰ کشور در جهان موفق شدند که واکسین ویروس کرونا را بسازند؛ چیزی که با امیدواری‌ها و نگرانی‌های زیادی به هم‌راه بود. از آغاز روند واکسین کرونا، تا هنوز در بیش از ۴۰ کشور جهان روند تطبیق آن آغاز شده است. در بسیاری از کشورها هنوز هم به دلیل مشکلاتی که پس از واکسین برای مردم ایجاد شده، روند تزریق واکسین متوقف است.

در افغانستان نیز روند تطبیق واکسین کرونا در آخرین ماه سال گذشته‌ی خورشیدی آغاز شد. بر اساس فیصله وزارت صحت و کابینه، در مرحله‌ی نخست، روند تطبیق واکسین کرونا روی کارمندان صحی، نیروهای امنیتی و کارمندان رسانه‌ای آغاز شد و این روند هنوز هم ادامه دارد.

در محور سوم این برنامه، سوالاتی در مورد چگونگی موثریت واکسین‌های ضد کرونا و این که این روند چقدر شفاف خواهد بود، بحث شد. در نخست، از داکتر سیداحمد گوهری پرسیده شد که واکسین کرونا، تا چه حدی می‌تواند موفق عمل کند؟

داکتر گوهری با این پیش‌فرض که یکی از ویژگی‌های ویروس‌ها، قابل تغییر بودن شان است و به همین دلیل است که تا هنوز برای سرماخوردگی در جهان واکسینی ساخته نشده است؛ زیرا این ویروس فصلی است و در هر فصل، جهش‌های زیادی از خود نشان می‌دهد و واکسین در برابر آن خوب عمل نمی‌کند. «کرونا هم یکی از میلیون‌ها نوع ویروس است. این ویروس هم خاصیت جهشی خود را دارد. از زمانی که شیوع پیدا کرده است، تا حال جهش‌های مختلفی داشته است. آخرین جهش، جهش افریقای و انگلیسی آن است. بهترین روش برای مبارزه با ویروس، دریافت واکسین‌هایی است که ساخته شده است.»

با این حال، آقای گوهری تأکید می‌کند که کرونا، نه نخستین ویروس در جهان و نه آخرین ویروس خواهد بود؛ اما با توجه به این که ویروس‌ها جهش‌های زیادی دارد، باید مردم از وجود واکسین‌هایی که ساخته شده، نگرانی نداشته باشند و واکسین دریافت کنند؛ زیرا واکسین تنها گزینه‌ی مناسبی است که می‌تواند مقاومت بدنی شخص را در مقابل ویروس‌ها و امراض بلند ببرد.

در بخش دیگر برنامه از عبدالله احمدی پرسیده شد که با توجه به فسادی که در استفاده از بودجه‌ی کرونا وجود داشت؛ آیا ممکن است در بودجه‌ای که برای خریداری واکسین کرونا اختصاص یافته نیز چنین شود.

آقای احمدی گفت: «با این که تطبیق واکسین تازه آغاز شده و در مرحله‌ی اول مشخص شده که کدام گروه‌ها باید واکسین دریافت کنند؛ اما از قراین معلوم است که آگاهی‌دهی لازم در میان شهروندان وجود ندارد. مردم فکر می‌کنند که واکسین آسیب‌پذیر است. در این مرحله به قشرهای آسیب‌پذیر زیاد توجه صورت نگرفته است. در بودجه‌ی اختصاص‌یافته برای واکسین نیز شفافیت وجود ندارد.»

او هم‌چنان می‌گوید که دولت باید معلومات کافی در مورد واکسین کرونا را در اختیار جامعه مدنی و مردم افغانستان قرار بدهد؛ تا شهروندان متوجه شوند که واکسین برای صحت‌شان خوب است و می‌تواند وقایه‌ی مناسبی در برابر این ویروس باشد.

این برنامه با پیام‌ها و پیشنهادات مهمان‌های حاضر پایان یافت. داکتر نصرت انصاری، تأکید کرد که دریافت واکسین یگانه راه جلوگیری و وقایه از ویروس کرونا است؛ زیرا کوید-۱۹ می‌تواند توسط واکسین از بین برود و انسان با آن معافیت پیدا کند. «من از طریق روزنامه‌ی شما می‌خواهم که کل مردم افغانستان باخبر شوند که واکسین مصون است. تمام واکسین‌هایی که فعلا در جهان معرفی شده‌اند، نظر به فیصدی‌شان، می‌توانند مصونیت خاصی ایجاد کند. اگر ما بتوانیم با واکسین موجود معافیت‌شان را بلند ببریم، یکی از دست‌آوردهای بسیار کلان در تاریخ افغانستان خواهد بود.»

همین‌طور داکتر گوهری نیز گفت که مردم در جهان، به ویژه در افغانستان، باید از ویروس کرونا بیاموزند تا در برابر آفاتی که در آینده قرار است بیاید، غافل‌گیر نشوند. پیشنهاد او، این است که مردم، نهادهای جامعه مدنی، نهادهای حقوقی و علمی، باید همه در کنار دولت بیایستند تا برنامه‌های کلان ملی در این مورد موثر و دقیق تطبیق شود.

عبدالله احمدی نیز پیشنهاد کرد که جهت جلوگیری و تطبییق بهتر برنامه‌های مبارزه با کرونا، باید نقش نظارتی جامعه‌ی مدنی و رسانه‌ها در نظر گرفته شود؛ دولت زمینه‌ی دست‌رسی به اطلاعات را فراهم کند و از سویی هم، مکانیزم مشارکت و نظارت فراهم شود؛ تا با توجه به نیازمندهای کشور برنامه‌ها تهیه و عملی شود.

# رسمیت‌دادن به جرگه‌های محلی یا قربانی‌کردن عدالت؟

مجیب ارژنگ

از آن‌جایی که میزان تحقق عدالت، بیشتر از هر چیزی معرف ساختار اجتماعی-سیاسی جامعه است، چگونگی دست‌یابی به آن، در حقوق و سیاست اهمیت زیادی دارد و روی آن بحث‌های گسترده‌ای نیز شده است. از سوی دیگر، اهمیت برقراری عدالت در جامعه، باعث شده است که نهادها و ساختارهای مشخصی برای تطبیق و پشتیبانی از آن شکل بگیرد. اداره‌ی حقوق، دادستانی کل و دادگاه‌ها در افغانستان، نهادهایی است که برای تطبیق عدالت در جامعه شکل گرفته است. تحقق عدالت برای ایجاد جامعه‌ی باثبات و حرکت به سوی برابری و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، نیاز گریزناپذیر انسان‌ها است.
با توجه به میزان رشد اجتماعی و فرهنگی‌ای که در جوامع اتفاق افتاده، میزان تطبیق عدالت در آن جامعه‌ها نیز از هم تفاوت می‌کند؛ اما به هر حال، برای سامان‌دادن به جوامع انسانی و قرار دادن آن در مسیر توسعه، بیشتر از هر چیزی به تامین نظم و برقراری عدالت نیاز است. در سوی دیگر ماجرا، تطبیق عدالت است که از دوام نظم در جامعه پشتیبانی می‌کند. به هر اندازه‌ای که در جامعه‌ای عدالت جنبه‌ی تطبیقی پیدا کند، مخل‌های نظم عمومی نیز از میان می‌رود، زمینه برای تحرک اجتماعی مهیا شده و بسترهای اجتماعی رسیدن به توسعه در جامعه هموار می‌شود.
با این حال اما وزارت عدلیه‌ی افغانستان، اخیرا طرح ایجاد قانونی را روی دست گرفته است که دنبال رسمیت دادن به ساختارهای مختل‌کننده‌ی عدالت در کشور است.
فضل احمد معنوی -وزیر عدلیه- روز یک‌شنبه، ۱۶ حمل، در دیدار با یانا زمپ -معاون دفتر کمک‌های انکشافی سویس در افغانستان- از طرح‌ریزی قانونی خبر داد، که می‌خواهد فیصله‌ها و تصمیم‌گیرهای جرگه‌ها و شوراهای محلی در روستاهای پس‌افتاده به لحاظ فرهنگی و دوردست افغانستان را، با دادن صلاحیت قانونی به این جرگه‌ها و شوراها، رسمیت ببخشد.
جرگه‌ها و شوراهای محلی، شاخص‌هایی از عدالت به مفهوم بدوی آن است که در آن، به حقوق‌بشری طرف‌های دعوا، ارزش گذاشته نشده و همیشه مصلحت‌گرایی خانوادگی یا قومی در آن اهمیت پیدا دارد. همین‌گونه، در بیشتر فیصله‌های جرگه، اصل شخصی‌بودن جرم و جزا که مهم‌ترین اصل در تطبیق عدالت است، نادیده گرفته می‌شود. این اصل در کنار این که جزو اصول عمومی حقوق است، در قانون اساسی و کد جزای افغانستان نیز به رسمیت شناخته شده است.
در یکی از کارکردهای جرگه برای تطبیق عدالت؛ زمانی که در روستاهای دوردست افغانستان، فردی، کسی از بستگان و یا همسایگان خود را بکشد و از سوی جانب مقابل، هنوز اقدامی برای تسویه‌ی حساب انجام نشده باشد و قضیه برای رسیدگی به جرگه محول شود، در این صورت اگر قاتل خواهری داشته باشد، فیصله‌ی جرگه این است که او، باید به ازدواج برادر مقتول در بیاید که در ادبیات مردمی افغانستان به آن «بددادن» می‌گویند. در این حالت، عدالت نه تنها که بر قاتل و برای مقتول تطبیق نمی‌شود، بکله فرد سومی که هیچ ارتباطی با جرم انجام‌شده نداشته است، به گونه‌ی مستقیم از وقوع جرم متاثر شده و تاوان آن را می‌پردازد که این در تضاد کامل با اصل شخصی‌بودن جرم و جزا و مخالف عدالت است.
با عدالت غیرقضایی، نه تنها که عدالت تطبیق نمی‌شود، بکله زمینه‌های تطبیق عدالت در درازمدت نیز از میان می‌رود؛ زیرا دوام و رسمیت‌یافتن ساختارهای مخل عدالت به عنوان ساختار تطبیق‌کننده‌ی عدالت، در کنار این که تطبیق عدالت را در جامعه مختل می‌کند، باور اشتباهی از عدالت را نیر به خورد جامعه می‌دهد. زمانی که این باور وارونه از عدالت وارد ذهن جمعی می‌شود، مفهوم واقعی عدالت در خلا قرار می‌گیرد؛ چیزی که باعث می‌شود جامعه دچار اشتباه شناختی از عدالت شده و بسترهای اجتماعی-فرهنگی برای برقراری آن شکل نگریرد.
رسمیت دادن به فیصله‌های جرگه، باعث می‌شود که زمینه‌ی مبارزه با سنت‌های ناپسند و مخالف ارزش‌های انسانی –بددادن- در جامعه از میان رفته و این سنت‌های مخالف حقوق‌بشری، به دوام خود در جامعه ادامه دهد. رسمیت دادن به جرگه‌ها، در حقیقت تلاشی است برای قوی‌سازی سنت‌های ناقض حقوق‌بشری، در برابر ارزش‌های دموکراتیک و شهروندمحور که پشتیبان تطبیق عدالت در جامعه است.

در کنار نوعیت ضد عدالت فیصله‌های جرگه و شورهای محلی، ساختار جرگه‌ها نیز مخل عدالت است؛ بیشتر آن‌هایی که در جرگه‌ها به حل‌وفصل دعوا میان دو و یا چندطرف می‌پردازند و تصمیم نهایی را می‌گیرند، در کنار این که صلاحیت حقوقی این کار را ندارد، صلاحیت علمی آن را نیز ندارند؛ زیرا بیشتر افراد تصمیم‌گیرنده در جرگه‌ها، آن‌هایی استند که نفوذ قومی، سیاسی، اقتصادی و یا هم نظامی روی بخشی از محل دارند؛ چیزی که به تطبیق عدالت نه؛ بلکه به فرار از عدالت کمک می‌کند. نمونه‌ی ناکارایی این ساختار را در تطبیق عدالت، می‌توان در جرگه‌ی مشورتی صلح که به آزادی زندانیان طالب تصمیم گرفت، بهتر دید.
از سوی دیگر، رسمیت دادن به جرگه و فیصله‌های آن، در مخالفت با قانون اساسی نیز قرار دارد؛ زیرا در قانون اساسی، دولت به ارایه‌ی خدمات عمومی یک‌سان و بدون تبعیض به شهروندان مکلف شده است. در ماده‌ی شش قانون اساسی افغانستان، آمده است: «دولت به ایجاد یک جامعه‌ی مرفه و مترقی بر اساس عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، حمایت از حقوق بشر، تحقق دموکراسی....و انکشاف متوازن در همه مناطق کشور ملکف است.»
با توجه به این ماده‌ی قانون اساسی، قانونی کردن جرگه‌های محلی و رسمیت‌دادن به فیصله‌های آن، نه تنها که در مخالفت با ارزش‌های حقوق‌بشری، بلکه در مخالفت با قانون اساسی نیز قرار دارد. دولت باید بکوشد برای تامین یک‌سان حقوق‌بشری شهروندان، زمینه‌ی دست‌رسی همه‌ی شهروندان را به عدالت قضایی مهیا کند. در همین ماده‌ی قانون، دولت به انشکاف متوازن در همه گوشه‌های افغانستان مکلف است که ارایه‌ی خدمات حقوقی و تطبیق همگانی و یک‌سان عدالت قضایی نیز جزو آن است.
در نهایت، در شرایط امروزی و نیاز به تحقق عدالت و ایجاد اعتماد میان دولت و شهروندان، نیاز است که دولت زمینه‌ی دست‌رسی یک‌سان شهروندان را به عدالت قضایی مهیا کند، تا این که برای تطبیق عدالت دست به دامن جرگه‌های محلی دراز کند. رفتن به سوی نهادهای سنتی، برای تطبیق عدالت، پارادوکسی است که بسترسازی برای تطبیق عدالت و حاکمیت قانون را از میان می‌برد؛ زیرا این ساختارها و نهادها، بازتابی از جهانی است که عدالت در آن به مفهوم امروزی آن شکل نگرفته و شناخت از عدالت نیز، به اندازه‌ی این ساختارها، ابتدایی و ناقص است.

**رسمیت دادن به فیصله‌های جرگه‌ها، باعث می‌شود که زمینه‌ی مبارزه با سنت‌های ناپسند و مخالف ارزش‌های انسانی –بددادن- در جامعه از میان رفته و این سنت‌های مخالف حقوق‌بشری، به دوام خود در جامعه ادامه دهد.**

برگردان

برگردان: ابوبکر صدیق
منبع:ویبلاگ صلح

# رابطه‌ی کشورهای خلیج فارس با صلح افغانستان

کشورهای خلیج فارس، در ایجاد تنش‌های افغانستان نقش برجسته‌ای بازی کرده‌اند. این کشورها تلاش می‌کنند تا پس از خروج نیروهای امریکایی از افغانستان، به اقدام‌های مهمی در این کشور متوسل شوند.
در جریان اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی، عربستان سعودی نقشه‌ی مهمی برای فراهم‌آوری کمک‌های بشری و تجهیزاتی امریکا برای نیروهای مجاهدین در افغانستان بازی کرد. کمک‌های تجهیزاتی امریکا، با لابی‌گری عربستان، توسط پاکستان به گروه‌های مجاهدان ضد شوروی افغانستان می‌رسید. یکی از کمک‌کننده‌ها برای گروه‌های ضد شوروی، اسامه بن لادن بود. شخصیت‌های بنیادگرا و سلفی‌مذهب عربستان سعودی، برای ذهنیت دادن در جامعه‌ی عربی، دست به کار شدند و این ذهنیت‌سازی برای زمینه‌سازی مبارزه در برابر اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان، نتیجه‌ی ملموسی را در پی داشت.

**همکاری‌های منطقه‌ای کشورهای خلیج فارس**

در ۱۹۹۶، عربستان سعودی و امارات متحده‌ی عربی، تنها کشورهایی در خلیج فارس بودند که حکومت طالبان را پس از تصرف کابل به رسمیت شناختند؛ اما پس از سرکشی‌های اسامه بن لادن و حمله‌های ۱۱ سپتامبر و آغاز حمله‌های امریکا به افغانستان، این کشورها رابطه‌ی خود را با طالبان و القاعده قطع کردند.
در این زمان بود که عربستان سعودی و قطر همکاری خود را با گروه‌های مختلف، در داخل افغانستان نزدیک‌تر کردند. در کنار همکاری جدی برای آغاز گفت‌وگوهای صلح دولت افغانستان و طالبان در قطر، این کشورها میلیون‌ها دالر را برای بازسازی در افغانستان مصرف کرده‌اند.
در شرایط کنونی که قرار است پس از دو دهه [حضور نظامی]، نیروهای امریکایی از افغانستان بیرون شوند، شورای همکاری کشورهای خلیج فارس ( GCC)، می‌تواند نقش مهمی را در این کشور بازی کنند.
بیشتر سرمایه‌گذاری‌های شورای کشورهای خلیج فارس، زیر نفوذ دو کشور بیرونی پاکستان و ایران قرار گرفته است. پاکستان یکی از متحدان عربستان سعودی و امارات متحده‌ی عربی است؛ آن‌ها پروژه‌های خود را به اساس اهداف مذهبی و ایجاد پایگاهای هم‌سو با خود در داخل افغانستان صرف کرده‌اند. ریاض و ابوظبی نه تنها این که منافع خود را در منطقه دنبال می‌کنند، بکله تلاش می‌کنند به عنوان متحد ایالات متحده‌ی امریکا، نقش برجسته‌ای در مبارزه با تروریزم داشته و سهم خود را در این زمینه اجرایی کنند.

**رابطه با کشورهای خلیج فارس**

متأسفانه برخی از کشورهای خلیج فارس، منافع خود را در حضور امریکا در افغانستان می‌بینند و به آن تکیه کرده‌اند. چنین رویکردی سبب شده تا ایران را به عنوان یک رقیب سرسخت فراموش کنند. روابط این کشورها با گروه‌های مختلف، با مقامات دولتی و غیر دولتی در داخل افغانستان مستحکم است، که با خروج نیروهای امریکایی از افغانستان، می‌تواند نقش برجسته‌ای [در صحنه‌ی سیاسی افغانستان] داشته باشند. به اساس توفق‌نامه‌ی ماه فبروری سال گذشته‌ی میلادی میان طالبان و دولت امریکا، نظامیان این کشور در اول ماه می افغانستان را ترک خواهند کرد. در صورت چنین ترکی، عربستان سعودی و امارات متحده‌ی عرب، نفوذ خاص خود را در نظام آینده افغانستان، بازی خواهند کرد. ایران منافع و رابطه‌ی خود را با گروه‌های شیعه‌مذهب در افغانستان تأمین کرده است که ۱۵-۲۰ درصد نفوس افغانستان را شکل می‌دهد. شماری از هزاره‌ها در زیر پرچم فاطمیون که توسط فرمانده پیشین قدس سپاه پاسداران بنیان گذاشته شده بود، برای اهداف یران به حمایت از دولت بشار الاسد، در سوریه جنگیدند.
ایران از زمان‌های خیلی درازد، در افغانستان اهداف اقتصادی دارد؛ همان‌گونه که در ۲۰۱۸ نگرانی خود را در این مورد با مقامات پاکستانی و عربستان سعودی مطرح کرده است؛ اما امضای توافق «برجام یا گروه پنج به علاوه یک –۵+۱» با امریکا، سبب شد تا رقبای ایران در افغانستان دست به کار شوند و به نفوذ ایران در این کشور آسیب بزنند.

**نتیجه‌گیری**

کشورهای خلیج فارس پس از اتفاق ۱۱ سپتامبر، میلیون‌ها دالر امریکایی در این کشور سرمایه‌گذاری کرده و در بخش‌های مهم ملت‌سازی و بازسازی افغانستان، نقش برجسته داشته‌اند. تلاش این کشورها بر آن است تا این دست‌آورد و سرمایه‌گذاری‌ها، پس از خروج نیروهای امریکایی از افغانستان، نابود نشود.
احتمال دارد که این کشورها گروهای مسلح را حمایت کنند؛ در صورتی که جنگ داخلی اتفاق بیافتد، نفوذ خود را داشته باشند یا هم بنا به اهداف مذهبی یا ایدیولوژیکی، از گروهایی در داخل افغانستان حمایت کنند، که با برقراری صلح، هم‌چنان بتوانند نفوذ خود را در نظام آینده افغانستان حفظ کنند.
همکاری برای تأمین صلح و هم‌چنان ایجاد ثبات در افغانستان، یکی از اهداف عمده‌ی کشورهای خلیج فارس است که به صورت جدی ادامه می‌یابد. احتمال دارد نتیجه‌ی وارونه داشته باشد، تنش‌ها افزایش پیدا کند و بن‌بست‌ها بیشتر ملموس شود. در آن صورت، این کار منجر به بی‌ثبانی منطقه خواهد شد. شکست صلح افغانستان، به نفع هیچ کشوری در منطقه و جهان تمام نمی‌شود. در صورتی که روند صلح افغانستان با ناکامی روبه‌رو شود، آن شمار از کشورهای منطقه که منافع خیلی مهم و دارازمدت در افغانستان دارند، از این مجرا آسیب می‌بینند. سرمایه‌گذاری‌ها در افغانستان، رقابت‌های جدی را در میان کشورهای رقیب منطقه ایجاد کرد. روند سرمایه‌گذاری‌ها در افغانستان پس از ۲۰۰۱ زمانی که نیروهای امریکایی به حمایت از جبهه مقاومت در شمال پرداختند و رژیم طالبان سقوط کرد، آغاز شد.
کشورهای منطقه تلاش می‌کنند که از کانال‌های مختلف، اهداف سیاسی، مذهبی و منطقه‌ای خود را در افغانستان دنبال کنند.

## بانک جهانی: وضعیت مبهم سیاسی و امنیتی، روند بهبود اقتصاد افغانستان را با کندی روبه‌رو کرده است

یافته‌های گزارش اقتصادی تازه‌ی بانک جهانی، نشان می‌دهد که چالش‌های موجود امنیتی و سیاسی در افغانستان و احتمال کاهش میزان کمک‌های بین‌المللی، روند بهبود وضعیت اقتصادی در این کشور را که از شیوع ویروس کرونا شدیدا متاثر شده، با کندی روبه‌رو کرده است.

در این گزارش که روز دوشنبه (۱٦ حمل)، زیر نام «تعیین مسیر بهبود اقتصادی» از سوی بانک جهانی نشر شده، آمده است که رشد قوی سکتور زراعت در افغانستان در سال ۲۰۲۰، توانست تا حدودی سبب تامین ثبات اقتصادی این کشور شود؛ اما با این هم، رشد اقتصادی افغانستان در این سال نزدیک به دو درصد کاهش داشته است.

در گزارش آمده است که این کاهش، نسبت به تخمین‌های قبلی اندکی کمتر بوده است.

بر اساس گزارش، وضع محدودیت گشت‌وگذار، کاهش میزان سرمایه‌گذاری‌ها و اختلال در روند تجارت، ضربه‌ی سنگینی به سکتور ارایه‌ی خدمات و صنایع وارد کرده که در نهایت سبب دشواری‌های اقتصادی و افزایش بیکاری در شهرها شده است.

بانک جهانی پیش‌بینی کرده است که افغانستان در سال ۲۰۲۱ یک درصد رشد اقتصادی داشته باشد و در سال ۲۰۲۲ در صورتی که بحران ناشی از ویروس کرونا کم‌رنگ شود، این میزان رشد به حدود ۳ درصد افزایش یابد.

گزارش بانک جهانی، هم‌چنان نشان می‌دهد که به دلیل رشد سریع جمعیت در افغانستان، بعید است که درآمد سرانه تا سال ۲۰۲۵ به سطح پیش از همه‌گیری ویروس کرونا برگردد.

هینری کرالی، رییس دفتر بانک جهانی برای افغانستان، گفته است: «اوضاع مبهم سیاسی و امنیتی افغانستان، سبب شده که اقتصاد این کشور به سختی بتواند خود را از تاثیرات مخرب ویروس کرونا دوباره بازسازی کند. کندی بهبود اوضاع اقتصادی، به معنای این است که نرخ بیکاری بلند بوده، میزان درآمدهای دولت کاهش یافته و در نهایت شرایط زندگی مردم افغانستان دشوارتر خواهد شد.»

در گزارش آمده است که بهبود کامل اوضاع اقتصادی در افغانستان، بسیار چالش برانگیز خواهد بود؛ زیرا تعداد زیادی از کارخانه‌ها و شرکت‌ها بسته شده و بسیاری از کسب‌وکارها از بین رفته‌اند.

بر اساس گزارش، به دلیل شرایط سخت امنیتی و نگرانی‌ها از نتایج گفت‌وگوهای صلح، خروج احتمالی نیروهای خارجی و کاهش قابل توجه کمک‌های بین‌المللی، اعتماد سکتور خصوصی بر اوضاع، به شدت کم شده است.

بانک جهانی، گفته است که پیش‌بینی می‌شود افغانستان در سال ۲۰۲۱ با خشک‌سالی مواجه شود که این موضوع نیز، به نوبه‌ی خود سبب کم شدن فعالیت‌های زراعتی شده و عامل دیگری در کاهش رشد اقتصادی این کشور خواهد شد.

در گزارش آمده است که همکاری قوی و دوامدار میان دولت افغانستان و شرکای بین‌المللی‌اش، می‌تواند نقش حیاتی در بهبود اوضاع اقتصادی و هم‌چنان اعاده‌ی اعتماد سکتور خصوصی بازی کند.

بانک جهانی، گفته است که دولت افغانستان باید به منظور بهبود وضعیت حکومت‌داری، تطبیق اصلاحات، مبارزه با فساد، جمع‌آوری درآمدها و تقویت تجارت را شدت بخشد.

در گزارش، آمده است که حامیان مالی و شرکای بین‌المللی حکومت افغانستان نیز می‌توانند با تعهد کمک‌های دوامدار و چندین‌ساله و توافق روی اولویت‌های اصلاحی که منجر به ادامه‌ی حمایت‌های مالی شود، در ایجاد اعتماد دوباره میان سکتور خصوصی نقش بنیادی ایفا کنند.

## طرح صلح پیشنهادی رییس‌جمهور غنی در نشست استانبول سه مرحله دارد

خبرگزاری رویترز، گزارش داده است که محمداشرف غنی، رییس‌جمهور افغانستان، در نشست استانبول نقشه راه صلح را در سه مرحله ارائه خواهد کرد.

در گزارشی که روز یک‌شنبه (۱۵ حمل)، از سوی خبرگزاری رویترز منتشر شده، آمده است که رییس‌جمهور غنی تلاش می‌کند پیش از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در افغانستان، با گروه طالبان به توافق برسد تا آتش‌بس دایمی برقرار شود.

بر اساس این گزارش، طرح پیشنهادی آقای غنی در نشست استانبول در سه مرحله ارائه می‌شود.

مرحله‌ی نخست آن، اجماع در مورد توافق سیاسی و دست‌یابی به یک آتش‌بس با نظارت سازمان‌های بین‌المللی است.

برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری و تشکیل و استقرار یک «دولت صلح» و اجرای ترتیبات برای حرکت به سوی یک نظام سیاسی جدید، مرحله‌ی دوم این طرح را تشکیل می‌دهد.

در مرحله‌ی سوم، ایجاد چارچوب قانون اساسی، استقرار مجدد پناهندگان و طرح توسعه را آقای غنی پیشنهاد خواهد کرد. یک مقام ارشد حکومت افغانستان به خبرگزاری رویترز گفته است که آقای غنی این نقشه راه صلح را با چند کشور خارجی به اشتراک گذاشته است.

پیش از این، امریکا برای پایان دادن به جنگ افغانستان، طرح تشکیل دولت گذار با حضور گروه طالبان را پیشنهاد کرده بود که با مخالفت رییس‌جمهور روبه‌رو شد و طرح پیشنهادی آقای غنی که در نشست استانبول ارائه می‌شود، در برابر طرح امریکا است.

برخی رسانه‌ها به نقل از منابعی گفته‌اند که نشست استانبول به تاریخ ۱٦ اپریل برگزار می‌شود و رویترز نوشته است شماری از سیاست‌مداران افغانستان تاکید کرده‌اند که پیش از حضور در نشست استانبول، باید در مورد شیوه‌ی کار یا آجندا با گروه طالبان توافق صورت بگیرد. امریکا تلاش دارد که پیش از ماه می-مهلت تعیین شده برای خروج نیروهای خارجی از افغانستان-گفت‌وگوهای صلح به نتیجه برسد.

هرچند پیش از این، طلوع نیوز، به نقل از منابع نزدیک به طالبان گفته بود که امریکا از این گروه خواسته تا حضور سربازانش در افغانستان را از سه تا شش ماه تمدید کند؛ اما ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، به روزنامه‌ی صبح کابل گفت که این پیشنهاد با این گروه شریک نشده و با آن موافق نیز نیست. با این حال، خبرگزاری رویترز به نقل از چند مقام حکومتی نوشته است که طالبان تمایل دارند حضور سربازان امریکایی را در افغانستان در بدل آزادی هزاران زندانی این گروه، تمدید کنند.

## نگرانی نمایندگان مجلس از وجود فساد در مصرف بودجه انکشافی

شماری از اعضای مجلس نمایندگان، نسبت به وجود فساد در مصرف بودجه‌ی انکشافی ابراز نگرانی کرده و می‌گویند که سرپرست وزارت مالیه، با صدور مکتوبی، مانع تطبیق پروژه‌های انکشافی توسط وزارت‌ها شده است.

غلام حسین ناصری، عضو مجلس نمایندگان، در نشست روز دوشنبه (۱٦ حمل)، این مجلس، گفت که چپاول آشکار در بودجه‌ی ملی جریان دارد.

او افزود: «در روز روشن، در مقابل چشم میلیون‌ها آدم، از بودجه چور می‌کنند.»

از سویی هم، مخدوم عبدالله محمدی، عضو دیگر مجلس نمایندگان، گفت که وزارت مالیه به تمام وزارت‌ها هدایت داده که تا زمانی که تعهد این وزارت نباشد، پروژه‌ها را تطبیق نکنند.

آقای محمدی گفت: «وزارت مالیه، یک وزارت غیرقانونی است که از سوی سرپرست اداره می‌شود. امضای سرپرست وزارت مالیه مشروعیت ندارد.»

برخی دیگر از اعضای مجلس نمایندگان نیز، نسبت به کارکردهای سرپرست وزارت مالیه انتقاد کرده و گفتند که محمد خالد پاینده، خلاف قانون و اصول بودجه، دست به یک سلسله اقدامات زده است.

سرانجام، میررحمان رحمانی، رییس مجلس نمایندگان، از کمیسیون مالی و بودجه این مجلس خواست تا چگونگی تطبیق بودجه سال مالی ۱۴۰۰ توسط وزارت مالیه را مورد بررسی قرار دهد.

آقای رحمانی، همچنان از رییس‌جمهور خواست تا سرپرستی در ادارات دولتی پایان داده و نامزد وزیران جدید را برای گرفتن رای اعتماد به مجلس نمایندگان معرفی کند.

## عبدالله عبدالله: حرف زدن در باره‌ی جزییات حکومت پساصلح پیش از وقت است

عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی، می‌گوید که حرف زدن در باره‌ی جزییات حکومت پساصلح، پیش از وقت است.

آقای عبدالله این موضوع را روز دوشنبه (۱٦ حمل)، در دیدار با اعضای کمیته‌ی دادخواهی زنان افغانستان بیان کرده است. او گفته است که تا اکنون در باره‌ی ترکیب و یا چگونگی حکومت آینده، سخن گفته نشده است.

رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی، همچنان به اشتراک عادلانه و معنادار زنان در نشست استانبول اشاره کرده و گفته است: «علاوه بر اعضای اصلی نشست، نمایندگانی از زنان و جامعه‌ی مدنی به عنوان اعضای جانبی نشست حضور خواهند داشت.»

آقای عبدالله، با اشاره به طرح‌های پیشنهادی برای صلح، گفته است که کار روی توحید دیدگاه‌ها جریان دارد و قرار است کمیته‌ی رهبری شورای عالی مصالحه‌ی ملی، در مورد چند اصل بنیادی برای نشست استانبول کار کند که در آن مشارکت عادلانه و معنادار همه طرف‌ها محفوظ خواهد بود.

این در حالی است که برخی از رسانه‌ها، به نقل از منابع‌شان گزارش داده‌اند که نشست استانبول، در شانزدهم اپریل برگزار خواهد شد. گفته می‌شود که این نشست، برای ۱۰ روزه بوده و در آن، در باره‌ی حکومت آینده‌ی افغانستان گفت‌وگو خواهد شد.

همزمان با این، شورای عالی مصالحه‌ی ملی گفته است که تا اکنون ۲۵ حزب سیاسی و اعضای کمیته‌ی رهبری شورای عالی مصالحه‌ی ملی، ۳۰ طرح صلح را به این شورا ارایه کرده‌اند. شورای عالی مصالحه‌ی ملی، افزوده است که کار روی توحید طرح‌های ارایه‌شده جریان دارد و قرار است دولت افغانستان با طرح واحد در نشست استانبول اشتراک کند.

## ده‌ها معلول در کابل در اعتراض به پایمال‌شدن حقوق‌شان تظاهرات کردند

ده‌ها معلول در اعتراض به پایمال‌شدن حقوق‌شان و برخورد تبعیض‌آمیز در ادارات دولتی، روز دوشنبه (۱٦ حمل)، در شهر کابل تظاهرات کردند.

بشیر دیره، معاون شورای معلولین و وارثین شهدای کابل، می‌گوید که برای برآوردن شدن خواسته‌های شان از چهار ماه به این سو خیمه‌ی تحصن برپا کرده بودند؛ اما مشکلات‌شان همچنان پابرجا است.

به گفته‌ی او، بر اساس قانون حقوق و امتیازت معلولین، باید سه درصد کارمندان دولتی معلولان باشند؛ اما این قانون هنوز هم عملی نشده و از سه سال به این طرف، امتیاز و حقوق پنج‌هزار افغانی ماهانه‌ی شان را دریافت نکرده‌اند. این معلولان، تاکید می‌کنند که اگر به خواسته‌های شان رسیدگی نشود، به اعتراضات‌شان ادامه خواهند داد و حتا در سازمان ملل متحد نیز شکایت درج خواهند کرد. این در حالی است که اخیرا، کمیسیون مستقل حقوق بشر، با نشر گزارشی گفته است که در حال حاضر، ۱۳٫۹ درصد جمعیت افغانستان را که شامل ۴ میلیون ۴۷۵ هزار و ۸۰۰ نفر می‌شود، افراد دارای معلولیت تشکیل می‌دهد.

بر اساس گزارش، این رقم در سال ۱۳۸۴ هجری خورشیدی به ۲٫۷ درصد کل جمعیت افغانستان می‌رسید؛ اما در ۱۴ سال گذشته، شمار این افراد ۱۱٫۲ درصد افزایش یافته است.

خبرونه

## په لاریون کوونکو په ډزو کې څلور کسان ټپیان شول

په تخار کې د محصلینو لاریون په تاوتریخوالی واوښت. د تخار پوهنتون لسګونو محصلینو د دوشنبې په ورځ په تالقان ښار کې د یوه لاریون په ترڅ کې د درسونو د پیلولو غوښتنه وکړه.

د تخار پوهنتون استادانو له څو ورځو را په دیخوا د کورونو د ځمکې د نه ویشل کېدو په غبرګون کې اعتصاب کړی او د پوهنتون درسونه یې درولي دي.

د پوهنتون محصلینو له حکومت څخه د دغو استادانو د ستونزې د حل او خپل تدریسي چارو د پیلولو غوښتنه وکړه.

لاریونوالو د تخار ـ کندز لاره هم د څو ساعتونو له پاره وتړله. لاریون کوونکي وايي دوی سوله ییز لاریون کړی و، خو امنیتي ځواکونو پرې ډزې وکړې چې له امله یې څلور کسان ټپیان شول.

د تخار د امنیي قوماندانۍ ویاند خلیل اسیر هم په لاریون کوونکو د ډزو پخلی کړی دی.

ښاغلي اسیر صبح کابل ورځپاڼې ته وویل:« محصلینو لاریون کړی و، په لاریون کې، ځینو کسانو غوښتل له لاریون ناوړه استفاده وکړي، ډزې شوې دي، دوه محصلین او دوه عام کسان ټپیان شوي دي.»

د تخار پوهنتون محصلین وايي حکومت باید دا ستونزه حل کړي او استادان د دوی نیمګړی سمستر بشپړ کړي.

د تخار پوهنتون استادانو له څو ورځو را په دیخوا د کورونو د ځمکې د نه ورکولو له امله اعتصاب کړی او د تدریس بهیر یې درولی دی.

## د ننګرهار د ګمرک رییس استعفا ته اړ ایستل شوی دی

د ننګرهار د ګمرک رییس حشمت‌الله علیزی د مالیې وزارت له خوا استعفا ته اړ ایستل شوی دی.

د مالیې وزارت وايي د دغه وزارت سرپرست محمد خالد پاینده د یکشنبې په ورځ ننګرهار ته تللی و او د دغه ولایت د ګمرک او مستوفیت چارې یې ارزولې دې.

د مالیې وزارت وايي ښاغلي پاینده او ورسره پلاوي موندلې چې د ننګرهار په ګمرک او مستوفیت کې ستونزې، له قانون څخه سرغړونې او کاري نیمګړتیاوې موجودې وې.

د مالیې وزارت د مالوماتو له مخې له ارزونې وروسته د ګمرک رییس استعفا کړې او د مسلکي او صاداراتو او وارداتو آمرین له دندو ګوښه او پرځای یې نورکسان ګومارل شوي دي.

دغه وزارت ننګرهار ګمرک مسؤلینو ته د روان مالي کال د وري میاشتې تر۱۵ مې پورې وخت ورکړی و، چې له نافذه قوانینو په ګټه اخیستنه ټاکل شوی هدف پوره او د سوداګریزو ټولګو د پراوونو په ترسره کولو کې د سرغړونو مخنیوی وکړي.

د دغه وزارت د مالوماتو له مخې یوه تخنیکي ډله د ننګرهار ګمرک په پلټنه بوخته ده چې د پلان شوې ارزونې له بشپړېدو وروسته به راپور د مالیې وزارت مشرتابه ته وړاندې کړي، څو د سرغړونو او ناقانونیو له عاملینو سره د قانون په رڼا کې چلند وشي.

## هرات کې د پینځو ښوونځیو ودانۍ پرانیستل شوې

په هرات کې د پینځو ښوونځیو د ودانیو د جوړولو چارې بشپړې شوې. دا ښوونځي د هرات په کرخ ولسوالۍ کې جوړې شوې چې په بشپړېدو یې ۵۰۰۰ زده کوونکو ته د زده کړې له پاره مناسب ځای برابرشو.

د هرات والي سید عبدالوحید زاهد قتالي د ښوونځیو د پرانیستلو پروخت د کرخ ولسوالۍ له خلکو مننه وکړه چې د ښوونځیو او معارف قدرکوي او له خیریه موسسو او د ښوونځیو جوړونکي ټولنې یې وغوښتل چې د ښوونځیو له پاره د میزونو او چوکیو په چمتوکولو او د زده کوونکو د نورو اړتیاو د پوره کولو په برخه کې هم همکاري وکړي.

د هرات د پوهنې رییس زکریا رحیمي وايي په دغه ښوونځیو کې چې د دوشنبې په ورځ پرانیستل شوې یوه د کرخ ولسوالۍ د رازي ښارګوټي ښوونځي ودانۍ ده چې په اته سوه متره مربع ساحه کې په اوه میلیونه افغانۍ جوړه شوې او شل درسي ټولګي لري.

ښاغلي رحیمي وویل:« دوې نورې ودانۍ د پاشدان او شیخ الاسلام کرخي لومړني ښوونځي دي چې په ټولیزه توګه په ۱۵۰۸ متره مربع ځمکه په اته میلیونه او سل زره افغانۍ جوړې شوې دي.»

د هرات د پوهنې ریاست د مالوماتو له مخې په دغه ولایت کې په ۱۳۹۹ کال کې د سلو ښوونځیو له پاره ودانۍ جوړې شوې دي.

دا ښوونځي د کلیو د بیارغونې او پراختیا وزارت د اقرا برنامې په اډانه کې جوړې شوې دي.

دا ښوونځي د هغو ۶۰۰۰ ښوونځیو په ډله کې شامل دي چې جمهور رییس غني یې دوه کاله مخکې د جوړولو ژمنه کړې وه.

شناس‌نامه

**صاحب امتیاز:** مختار پدرام
**مدیر مسوول:** عبدالله سلاحی
**سردبیر:** نصیر ندیم
**دبیر اجرایی:** مجیب ارژنگ
**ایمیل:** subhekabulam.daily@gmail.co
**گزارش‌گران:** علی‌شیر شهیر، محمدگوهری، روح‌الله طاهری، ابوبکر صدیق، نجیب مایار، حیات بودا، لیلا یوسفی و شبنم نوری
**بازاریاب:** ۰۷۷۴۰۰۲۶۰۴
**ستون‌نویسان:** طاهر احمدی و معصومه عرفان
**ویراستار:** نوید احمدی
**توزیع:** شبکه زنگ صبح-۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲
**صفحه آرا:** اسماعیل لعلی
**آنلاین:** عبدالرازق اختیار بیگ و منصوره متفکر
**چاپ:** مطبعه انتخاب
**آدرس:** کابل، کارته سه، سرک چهارم

*تنها سرمقاله بازتاب دهنده‌ی دیدگاه صبح کابل است. دیدگاه‌های مطرح شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.*

روزنامه صبح کابل

● Year 02 ● Issue 350 ● Tuseday ● April 6, 2021

www.subhekabul.com
fb.com/subhekabul

خط اول

# انارکلی؛ تکه‌ی تلخ تاریخ افغانستان

زاهد مصطفا

**انارکلی، زبان از گروهی باز کرد که به دلیل کمبود کمیت، هر روز، در کنار رنج عمومی افغانستان، رنج جداگانه‌ای می‌کشند و به گونه‌های مختلف توسط افرادی متفاوت، قضاوت و به سخره گرفته می‌شوند.**

حرف‌های انارکلی هنریار، در برنامه‌ی دریافت جایزه از سوی دانشگاه ابن سینا، تلخ‌ترین قسمت تاریخ افغانستان است؛ تاریخی که در آن، آدم‌ها با سنجش‌های ذهنی قضاوت شده‌اند و هر که در گروه ذهنی کوچک‌تری بوده، تلخی بیشتری چشیده است.

حرف‌های انارکلی، بخشی از رنج گروه‌های کوچک در افغانستان است؛ گروه‌هایی که دین، مذهب، فرهنگ و غرورشان از سوی گروه مسلط به تمسخر و نابودی گرفته شده. تلاش برای تسلط گروهی و حمله بر دیگری، بخشی از ناخودآگاه جمعی افغانستان است. آن‌چه در افغانستان می‌گذرد، همین میل شدید به سرکوب است و آن که مسلط است، باید از هر طریق ممکن، بر دیگری بتازد و آسیب بزند.

نیتجه‌ی همین تاختن، در بستر سیاسی، به تسلط قومی، مذهبی و فرهنگی انجامیده و در بستر اجتماعی، به برخوردهای فردی. این که چند کودک، تصمیم بگیرند به پنجره‌ی خانه‌ی کسی به دلیل تفاوت گروهی سنگ بزنند؛ تصمیمی نیست که آن کودکان می‌گیرند؛ چون در این سطح، توان تصمیم‌گیری ندارند. چنین کنشی، از ناخودآگاه جمعی کودک است که به تصوری از خودآگاه سرگرم‌کننده داده شده و سنگی که بزرگان به دلیل تفکیک زمان و وضعیت، آن را با چیز دیگری عوض کرده یا بر زمین گذاشته‌اند، او برمی‌دارد و به پنجره‌ای می‌کوبد؛ پنجره‌ای که پشت آن، کسی با باورهای دیگر زندگی می‌کند؛ تنها به همین دلیل.

تجربه‌ی تاریخی افغانستان، بومی-افسانه‌ای است؛ تجربه‌ای که در دایره‌ی باورهای بومی گیر کرده و گره‌های بازنشدنی‌ای را به نام دین، مذهب، قوم و یا شکل به وجود آورده است.

گره‌هایی که برای بازنشدن آن، هر روز خون ریخته می‌شود و هم‌چنان همه پا در یک کفش کرده‌اند تا نگذارند این گره‌ها اندکی سست شود. تنش‌های سیاسی، گروه‌های تروریستی و صف‌های قومی‌ای که بخشی از هویت افغانستان شده، برآمد تلاش تجربه‌ی تاریخی برای حفظ و تسلط افسانه‌های گروهی است؛ افسانه‌های قومی، دینی و مذهبی که معیار سنجش افراد در تجربه‌ی بومی است و انسان بومی، دفاع از افسانه‌اش را حمله بر افسانه‌ی دیگری می‌داند.

تلاش برای تسلط قومی، مذهبی و گروهی، از یک ذهن بومی می‌آید؛ ذهنی که در آن امکان حرکت موازی وجود ندارد و حرکت‌های مختلف ذهنی، به تقاطع و تصادم می‌رسند.

برای این که تصادم به حد اقل برسد؛ هر گروه بزرگ‌تری، به دنبال نفی گروه کوچک‌تر است و اگر این تفاوت، مذهبی باشد، تلاش برای رفع تصادم به از میان برداشتن آن می‌انجامد. مهاجرت بییش از ۹۹ درصد هندوها و سیک‌های افغانستان، نیتجه‌ی همین تلاش به حذف است که از سوی گروه‌های بزگ‌تر به کار بسته می‌شود.

حذف دیگری به دلیل تفاوت قومی، مذهبی و یا گروهی، به مردم عام خلاصه نمی‌شود؛ این نوعی از کنش، بخشی از هویت افراد در سطوح مختلفی است که نه تحصیل، نه آگاهی از وضعیت جهان نداشته و نه آن طوری که خودش را می‌نمایاند، می‌تواند مانع بروز عمل‌کرد آن چه که هست، شود.

این که استاد دانشگاه به دلیل برادرخوادن سیک‌ها از سوی یک دانشجو، نمره‌ای او را کم می‌کند؛ بیان‌گر عمق این هویت است؛ هویتی که زاده‌ی تجربه‌ی تاریخی است و آگاهی‌اش را از افسانه‌های بومی می‌گیرد. تجربه‌ی دهه‌ی هفتاد و رویارویی گروه‌های قومی در افغانستان، موجی از این تجربه‌ی تاریخی بود که در زمانی مناسب، کلید خورد و آن‌چه که بود را به نمایش گذاشت.

گروه‌هایی که برای حفظ اسلام از نظام سیاسی جمهوری می‌جنگند، صفحه‌های زنده و خونینی از این تجربه‌ی تاریخی استند؛ تجربه‌ای که نه تنها مقابل آن‌چه او را بروز می‌کند، می‌ایستد؛ بلکه ناخودآگاهش را در آن تزیق می‌کند و از آن مدلی می‌سازد که بتواند با آن بازی کند. آن‌چه از مدل کمونیزم یا جمهوری در افغانستان به نمایش گذاشته شد، نتیجه‌ی تزیق ناخودآگاه تاریخی بود؛ ناخودآگاهی که صد سال پیش به امان‌الله خان گفته بود، اگر لباس بومی را از تن مردم در آورده و لباس مدرن بپوشاند، مردم مدرن شده و گره‌های ذهنی‌شان باز می‌شود.

زندگی شهری و ارتباط سایبری، در حدی تلاش کرده است برای سست‌شدن گره‌های ذهنی کار کند؛ اما هر ازگاهی که تصادمی به وجود می‌آید، چهره‌هایی را عوض می‌کند و همه سعی می‌کنند، در گروه مشخصی قرار بگیرند تا هم جان سالم از تصادم به در ببرند و هم به پیروزی گروهی برسند. موضع‌گیری‌هایی که این روزها در قبال نمایش بهسود در شبکه‌های اجتماعی بروز کرد، موج کوچکی از ناخودآگاه تاریخی بود؛ ناخودآگاهی که برای تقریبا همه هزاره‌ها آن را سرکوب گروهی تعبیر کرد.

نفس نمایشی که از سوی دولت به راه انداخته شد، نیز بخشی از این ناخودآگاه تاریخی بود. این ناخودآگاه، هر روز با آدم‌های افغانستانی راه می‌رود؛ سیاست می‌کند، واکنش نشان می‌دهد و با انواع مختلف می‌جنگد تا هم‌چنان بودنش را به نمایش بگذارد.

انارکلی، زبان از گروهی باز کرد که به دلیل کمبود کمیت، هر روز، در کنار رنج عمومی افغانستان، رنج جداگانه‌ای می‌کشند و به گونه‌های مختلف توسط افرادی متفاوت، قضاوت و به سخره گرفته می‌شوند.

این که صدها خانواده، فقط به دلیل تفاوت مذهبی، به شکل گروهی خانه و زادگاه‌شان را بگذارند و بروند، اتفاقی است که برای انسان مدرن، خاطراتی از تاریخ گذشته را ورق می‌زند؛ اما برای انسان افغانستانی که هنوز به لحاظ تجربه‌ی تاریخی به‌روز نشده، قسمتی از زندگی‌اش است که به چشم سر آن را می‌بینند؛ لمس می‌کند و اگر یکی از آن گروه کوچک باشد، مقابل تلویزیون‌های مدرن می‌نشیند و این رنج کهنه و بومی را با خودش مرور می‌کند؛ رنجی که ظاهرا ختمی برایش تصور نیست؛ چون اگر تصوری بود، صدها خانواده‌ی سیک و هندو، از جایی که انگار در آن تعلق داشتند، فرار نمی‌کردند.

این‌ها، تکه‌هایی از داستان غم‌انگیز افغانستان است؛ داستانی که در یک دایره‌ی ویژه می‌چرخد و راهی برای رفتن به بیرون از آن‌چه برای خود تنیده است، ندارد.

## قاب

امیر مروج
عکاس

بلقیس، زنی در شهر کابل که دخترش نان می پزد و او همه‌روزه نان را به مشتری‌هایش می برد.

اشتراک در روزنامه

روزنامه صبح کابل

| اشتراک کنندگان | شش ماه | یک‌سال |
|---|---|---|
| دفترها و سازمان‌های داخلی | ۴۵۰۰ افغانی | ۸۰۰۰ افغانی |
| دانش‌جویان و خانواده‌ها | ۲۵۰۰ افغانی | ۴۵۰۰ افغانی |
| دفترها و سازمان‌های بین‌المللی | ۱۷۵ دالر | ۳۰۰ دالر |

www.subheKabul.com
@subheKabul
+۹۳۷۷۴۰۰۲۶۰۴

یکصدا.com ایستگاه خبری افغانستان www.1sada.com